

گفتاری پیرامون حقوق دیپلماسی علم

سعید علیزاده مالک*

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۰/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۳/۲۶

چکیده

ادبیات دیپلماسی علم بر آثار معدود و گاه ترجمه‌ای استوار است و بنابراین نگارش اثر تألیفی در مورد ابعاد حقوقی آن بسیار دشوار است. از سویی قلمرو حقوق بین‌الملل آن‌چنان فراخ گشته که به سختی می‌توان نقطه‌ای بر پایان آن تصور کرد. مبادله اندیشه و علم بین افراد انسانی از شرایط ضروری زندگی اجتماعی است، همچنان که طرز شناخت واقعیت‌ها از طرف انسان ضروری است و پایه مبحث نظریه معرفت^۱ است. از سوی دیگر دیپلماسی علم به‌عنوان یک رشته علمی در سایر کشورها نیز از سابقه چندانی برخوردار نیست، اگر این مجموعه آثار را به دو دسته تقسیم کنیم، مباحث نظری و بنیانی دسته اول آثار و موضوعات علمی و عینی دسته دوم را تشکیل می‌دهند.^۲ در این‌حین براساس تحقیقات مربوط به تدوین مباحث این نوشتار مشخص شد با وجود ظهور و بروز چالش‌های متعدد و حتی پدیده‌ها در دیپلماسی علم، این موضوع چندان مورد اعتنای قانون‌گذار ملی (در کشورها) نبوده و بنابراین به‌جز مباحث نظری در باب نسبت دیپلماسی علم با فلسفه وجودی دولت یا ارتباط حقوق و دیپلماسی علم، تنها موازین موجود در این زمینه، قواعد و مقرراتی است که از تعهدات بین‌المللی دولت‌ها ناشی می‌شود و در سه دسته شناخته‌شده حقوقی، یعنی حقوق ارتباطات (آزادی اطلاعات/رسانی)، منشور ملل متحد و حقوق بشر بازتاب یافته است.

کلیدواژه‌گان:

دیپلماسی، دیپلماسی علم، حقوق بین‌الملل، جامعه بین‌المللی، صلح، ج.ا.ایران

* تهیه و تدوین سعید علیزاده مالک، دانشگاه پیام نور استان تهران (زیر نظر دکتر بهرام مستقیمی و دکتر مسعود علیزاده)
EMAIL: samalek1404@yahoo.com
1. Connaissance Theory- Knowledge Theory
۲. سی. وی. وجود تاریخ‌نگار انگلیسی می‌گوید: «سیر تاریخ روبه‌جلو است، اما در نگاه به عقب نوشته می‌شود، ما پیش از بررسی آغازها، انجام را می‌دانیم و هیچ‌گاه نمی‌توانیم به‌تمامی دریابیم اینکه فقط از آغازها باخبر باشیم، نگاهمان را چگونه می‌کرد.»

مقدمه

روند تحولات جهانی شاهد تغییرات عمیقی است که پیش‌تر تجربه نشده و نمی‌توان آن را صرفاً در قالب چرخه مرسوم تاریخی-اقتصادی و گاه سیاسی-فرهنگی یا حتی اجتماعی-حقوقی ناشی از تعامل بین عوامل بنیادین و غیربنیادین موردبررسی قرار داد.^۱ نظام حقوق^۲ مردم در حکومت^۳، یکی از سرفصل‌های مهم در حقوق اساسی است. همچنین نقطه محوری دیپلماسی ارتباط است. ارتباط نمایندگان دو یا چند دولت؛ طبق اسناد تاریخی ایجاد نمایندگی‌های دیپلماتیک به قرن ۱۵ م. برمی‌گردد که حاکمان می‌خواستند ارتباط مستمر و منظمی بین آنها برقرار باشد.^۴ بسیاری از مقررات یا قیدوبندهای حقوقی مربوط به دیپلماسی با هدف تسهیل در ارتباط و تقلیل سوءتفاهمات احتمالی بین دولت‌ها وضع شده است. بدین ترتیب برای دیپلماسی ۵ وظیفه ذکر می‌کنند:

۱. هدایت و اداره بحران

۲. حل و فصل مسائل مربوط به دو یا چند کشور

۳. مذاکره و چانه‌زنی درباره موضوعات مختلف، معاهدات و موافقت‌نامه‌ها

۱. فرض بسیاری از کشورهای درحال توسعه این است که عدم دسترسی به علم و ابزار فنی پیشرفته موجود در کشورهای پیشرفته، یکی از دلایل مهم عقب‌ماندگی اقتصادی آن‌ها است و بدون انتقال عمده علم و ابزار فنی پیشرفته، اقتصاد آن‌ها به‌اندازه کافی توسعه نخواهد یافت.

۲. واژه حقوق در ادبیات فارسی در سه معنای عمده به کار رفته است:

الف. علم حقوق

ب. مجموعه مقررات حاکم بر روابط اجتماعی

پ. امتیاز یا توانایی اعتباری و شناخته‌شده کسی نسبت به دیگری یا چیزی (برگرفته از مقدمه علم حقوق- ناصر کاتوزیان و مقدمه عمومی علم حقوق- جعفری لنگرودی)

ت. همچنین لغت‌نامه دهخدا از جمله معانی متعدد حق را «سزاوار، به‌حق، از روی استحقاق، چنانکه باید، آن‌سان که سزد» آورده است و در فرهنگ معین بر قراردادی بودن برخی از معانی حق تصریح شده است. (صرامی، ۱۳۸۱، ص ۶)

۳. در منابع اسلامی و به‌ویژه در منابع شیعی به جنبه‌های مختلف حقوق مردم در حکومت به‌طور مستقیم و غیرمستقیم پرداخته شده است. زمینه‌هایی مانند حقوق متقابل مردم و حاکم، باب گسترده امر به معروف و نهی از منکر و موضوع شورا در اسلام از جمله سرفصل‌هایی است که می‌توان با پیگیری آن‌ها در منابع اسلامی بسیاری از پرسش‌های قابل‌طرح در این موضوع را پاسخ داد. برای نمونه در خطبه ۲۰۷ نهج‌البلاغه از علی (ع) نقل است: حقی برای کسی نیست، مگر آن‌که بر عهده‌اش هم حقی هست و به عهده کسی حقی نیست، مگر آن‌که برای او و به نفع او هم حقی هست یا در خطبه ۳۴ نهج‌البلاغه سه وظیفه را برای حکومت می‌شمارد: الف. وظیفه خیرخواهی نسبت به مردم، ب. امانت‌داری در حفظ بیت‌المال، پ. آموزش (تعلیم و تربیت)

۴. فارسی، حمید و حسین باقری و غلامعلی زورزاده (۱۳۹۶) نقش اطلاعات در حفاظت شخصیت‌ها، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ص ۲۵.

۴. افزایش و تسهیل ارتباط بین فرهنگی در سطوح مختلف

۵. برنامه‌ریزی در اجرای تصمیمات یک کشور در قبال کشور یا کشورهای دیگر^۱

وظایف مزبور از طریق ارتباط و تبادل نظر بین دو دولت یا دولت‌ها به انجام می‌رسد؛ بنابراین مرحله اول دیپلماسی مذاکره است و در مرحله بعد دیپلماسی به چگونگی اجرای توافقات به عمل آمده می‌پردازد.^۲

ایجاد و گسترش روابط در حوزه علم (تبادل علم) از دیرباز مورد توجه ملل جهان بوده است و نهادهای مختلفی به فعالیت‌های تبادل علم در سطح بین‌المللی پرداخته‌اند، چنانکه یکی از اهداف حقوق بین‌الملل افزایش سطح آگاهی و دانش جوامع بشری است. این هدف در تحقق سایر اهداف حقوق بین‌الملل تأثیر شایانی دارد و موجب ایجاد تفاهم می‌شود که این تفاهم موجب رفع اختلافات و تحکیم صلح در جهان می‌شود. تبادل علم در مجموعه روابط فرهنگی است که همراه با تبادل عاطفی است. ناگفته نماند از نظر حقوقدانان، آگاهی جوامع وسیله‌ای برای رسیدن به سعادت و کمال مطلوبشان است. هرچند که در تشخیص اینکه سعادت و کمال مطلوب انسان چیست، اختلاف است.

بدین‌گونه جوامع بشری نه تنها در زمینه تولید و توزیع فرآورده‌ها و محصولات کشاورزی، صنعتی، خدمات و ... خود را نیازمند تعاون و همکاری با یکدیگر می‌بینند، بلکه در زمینه مبادلات علمی نیز احساس نیاز و وابستگی می‌کنند. در پیدایش و رشد علم عوامل اختیاری و غیراختیاری فراوان مؤثری وجود دارد که خود زمینه فعالیت‌های متعدد در پیدایش و تدوین حقوق ملل و حتی احترام

۱. راست، بروس و هاروی استار (۱۳۸۱) سیاست جهانی، محدودیت‌ها و فرصت‌های انتخاب، ترجمه علی امیدی، تهران، انتشارات وزارت خارجه، (ص ۲۰۸ و ۲۰۹)

۲. هنری کیسنجر وزیر خارجه اسبق آمریکا در مقدمه کتاب خود به نام «یک جهان اعاده شده» (A world restored) این موضوع را از دیدگاه موسوم به واقع‌گرایی تحلیل می‌نماید. وی معتقد است که جست‌وجو برای صلح‌خواهی سبب تداوم نظم بین‌المللی نمی‌شود، بلکه ثبات در روابط بین‌المللی مبتنی بر قبول مشروعیت چند اصل از طرف قدرت‌های حاکم بر جهان است. البته مشروعیت را نباید با عدالت یکی دانست، حتی به معنای توافق بین‌المللی در مورد طبیعت توافقات انجام شده یا قبول روش خاصی در سیاست خارجی نیز نیست. بلکه مشروعیت به معنای قبول چهارچوب یک نظام بین‌المللی از طرف قدرت‌های بزرگ است. در نتیجه مشروعیت یک نظام بدین معنی هم نیست که تمام کشورها از چنین نظمی خشنود هستند بلکه ممکن است مانند آلمان نسبت به مصوبات و رسای ۱۹۱۹ م. حالت عصیان داشته باشد. در این صورت سیاست خارجی این قبیل کشورها جنبه انقلابی داشته و در جهت شکستن نظم موجود گام برمی‌دارد. نتیجه دیگری که از این بحث حاصل می‌شود این است که نظم مشروع امکان برخورد را از میان نمی‌برد بلکه آن را محدود می‌نماید. از این رو سخن از امنیت مطلق در چنین شرایطی در میان نیست، زیرا امنیت مطلق برای یک کشور به معنای عدم امنیت کامل برای سایر کشورهاست، بلکه سخن از امنیت نسبی در شرایط اتفاق آراء (General Consensus) در میان است.

کشورها در برابر حقوق داخلی یکدیگر بوده است.^۱ روابط علمی و تبادل استاد و دانشجو، جوامع را با یکدیگر آشنا تر ساخته است. البته تردیدی نیست که تبادل علم زمینه وابستگی را نیز فراهم می‌کند و گاهی مورد سوءاستفاده‌هایی قرار گرفته است. تأثیر شگرف نشر علم در پیدایش صلح و امنیت، برخی جوامع را متوجه این نکته ساخت که می‌توان از طریق گسترش علم تا حدود زیادی تضادها و درگیری‌های اجتماعی ملل مختلف را کاهش داده و از توسعه پایدار و رفاه اقتصادی بهتری برخوردار شد.^۲

علم یکی از مهم‌ترین دارایی‌های جامعه انسانی است که بدون آن، امکان بهره‌گیری مؤثر از سایر دارایی‌های بشری مانند تجهیزات، ساختمان‌ها، سرمایه‌های انسانی و ... میسر نمی‌شود. در واقع علم روحی است که در کالبد دارایی‌های جامعه انسانی دمیده می‌شود تا آنها را به موجوداتی زنده، پویا و مؤثر تبدیل کند. البته دانش^۳ را نمی‌توان لمس کرد، دانش به راحتی قابل شناسایی و اندازه‌گیری نیست، زیرا به محیط و شرایط زمینه‌ای و حاملان خود می‌چسبد؛ همچنین علم به تنهایی قابل بررسی نیست، بلکه به صورت شبکه‌ای از علوم به هم پیوسته در جامعه انسانی وجود دارد و هر جزء از این شبکه در کنار جزء دیگر معنی پیدا می‌کند. علم می‌تواند به صورت آشکار در قالب مستندات موجود باشد یا اینکه در ذهن خیرگان در فرآیندها یا

۱. حقوق آن چیزی است که دولت‌ها با آن موافق‌اند و بر پایه رفتار دولت‌ها شکل می‌گیرد. این دیدگاه علت بقاء و کارایی حقوق بین‌الملل را نشان می‌دهد؛ زیرا حقوق بین‌الملل برای تعاملات مسالمت‌آمیز دولت‌ها پایه‌ریزی شده است. حقوق بین‌الملل قادر به تنظیم روابط دولت‌ها است، زیرا بنای آن بر پایه خویش‌داری (Self Constraint) دولت‌ها استوار است. (راست و استار، ۱۳۸۱، ص ۶۷۰ و ۶۷۱) در این تلاش گسترده حقوق بیشتر تلاشی است برای حل تضاد و نه دستاوردهای آن، یقیناً نمی‌توان همه تضادها را حل کرد؛ اما در هر حال حضور اجتناب‌ناپذیر تفاوت‌ها (این‌که تابعان حقوق مثل هم نیستند) و کمبودها (این‌که هرگز منابع کافی برای برآورده کردن نیازهای همگان وجود ندارد) نشان‌دهنده آن است که حقوق یکی از وجوه اجتناب‌ناپذیر شرایط اجتماعی است که تابعان در آن زندگی می‌کنند.

۲. آن‌چه امروز تحت عنوان حقوق دیپلماسی علم می‌توان مطرح کرد، کلیه ابعاد مدنی، تجارت، جزایی، بین‌الملل، فنی و تخصصی را شامل می‌شود که از حیث گستره مفهومی و تاریخی کاربرد داشته‌اند، ولی امروز جای خود را به این اصطلاح داده‌اند که از حیث مفهومی در نسل سوم حقوق بین‌الملل (حقوق بشر) ظهور یافته است.

۳. برخی دانش را به دو نوع تقسیم می‌کنند: الف. دانش علمی (Scientific Knowledge)،

ب. دانش زمینه‌ای و محلی (Local and Contextual Knowledge)

همچنین از دیدگاه داونپورت و پروساک، دانش مخلوط سیالی از تجربیات، ارزش‌ها، اطلاعات موجود و نگرش‌های کارشناسی نظام‌یافته است که چهارچوبی برای ارزشیابی و بهره‌گیری از تجربیات و اطلاعات جدید ارائه می‌دهد. (مهدی‌نژاد نوری و دیگران، ۱۳۸۶، ص ۱۲۴) دانش بشری مجموعه آگاهی‌های افراد درباره محصولات و فرآیندهای موجود در دست‌نامه نوشتار، پایگاه داده‌ها (بایگانی) و سامانه‌های اطلاعاتی است.

حتی در فرهنگ جامعه جاری باشد.^۱ از سویی تمام معارف بشری را در دو دسته فلسفه و علم قرار می‌دهند که ماهیت و چیستی موضوع مورد مطالعه، روش تحقیق خاص آن را مشخص می‌کند؛ زیرا مرزبندی روش‌های تحقیق سلیقه‌ای نیست؛ زیرا موضوعات فلسفی را نمی‌توان با روش تجربی اثبات کرد، چنانکه با روش تعقلی - تحلیلی نیز نمی‌توان موضوعات علمی (علوم تجربی) را ثابت کرد.

۱. بیان مسئله

جهانی‌شدن، فناوری اطلاعات و ارتباطات (آی.سی.تی)^۲، ظهور عصر فراصنعتی و گرایش به مردم‌سالاری؛ انتظار ملتها از نقش و کارکرد حقوق بین‌الملل را دگرگون ساخته است. چنان‌که دستاوردهای ناشی از آن همچون شهر الکترونیک^۳ مردم‌سالاری دیجیتال، حقوق شهروندی الکترونیک و حاکمیت دولتی تحت عنوان دولت الکترونیک^۴ تأثیر خود را در زندگی مردم در قرن

۱. به‌طور خلاصه در تفاوت علم به مفهوم خاص آن و فلسفه می‌توان نکات زیر را یادآور شد: الف. علم از چگونگی بودن و صفات اشیاء با استفاده از روش‌های تجربی و آزمایش صحبت می‌کند ولی فلسفه از اصل وجود، موضوع و روش علم با استفاده از روش استدلال و برهان بحث می‌کند. ب. دایره شناخت علم به‌زعم برخی به معنی خاص، محدود به ماده است و از قلمرو ماده و واقعیت‌های این جهان فراتر نمی‌رود، ولی دایره شناخت فلسفه وسیع‌تر بوده، دارای یک سلسله اصول عام و جهان‌شمول است که قلمرو حس و غیرحس را در بر می‌گیرد. پ. قوانین فلسفی کمی نیستند، از راه تجربه ابطال نمی‌شوند، ناظر به شکل پدیده‌ها و طبیعت یک موجود می‌باشند، اما قوانین علمی اغلب کمی هستند، از راه تجربی قابل ابطال و گزینشی هستند، یعنی به چهره‌ای از حوادث و موجودات نظر دارند نه به کل و طبیعت آن‌ها. همچنین قوانین فلسفی از راه تعقل و برهان نقد می‌شوند، فاقد هستی بوده و بر پایه کلی‌ترین تقسیم‌بندی‌ها بنا می‌شوند، اما قوانین علمی دارای «هستی» هستند یعنی در مورد پدیده‌ها و مادیات جهان هستی می‌باشند، از طریق تعقل و برهان و همچنین تجربه و نقد می‌شوند و نهایتاً این‌که تقسیم‌بندی‌های علمی که پایه قوانین علمی هستند خود در درون تقسیمات فلسفی قرار می‌گیرند. (ازکیا و دربان آستانه، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۲۸ و ۲۹) البته علم با هنر تفاوت اساسی دارد زیرا:
 ۱. هنر بر عواطف تکیه دارد. ۲. بر کیفیات تأکید بسیار دارد.
 ۳. تصورات و تخیلات ذهنی در هنر اهمیت دارد. ۴. شناخت هنری اساساً ذوقی و عاطفی است.

2. Information Communication Technology- ICT

۳. شهر الکترونیک (e- City) شهر الکترونیکی محیطی است که در آن اداره امور شهروندان و سازمان‌های خدمات‌رسان دولتی و غیردولتی به‌صورت شبانه‌روزی و لاینقطع در جریان است هرچند به‌صورت اسمی از کیفیت بالاتری برخوردار است اما از لحاظ ایمنی با اماواگرهایی همراه است که متخصصان فناوری اطلاعات و ارتباطات درصدد رفع آن‌ها هستند. شهر الکترونیکی ناخواسته همه را از دنیای واقعی و فیزیکی به دنیایی که در آن همانند خودش دیده نمی‌شود، وارد می‌کند.
۴. دولت الکترونیک (e- Government) سازوکاری که اطلاعات و خدمات دولتی را از طریق اینترنت یا دیگر سامانه‌ها و به روش دیجیتال به اتباع خود ارائه می‌کند. این شیوه و ساختار جدید قابلیت آن را دارد که بخش دولتی را تغییر دهد و پیوند میان دولت و شهروندان را از نو پایه‌ریزی کند. دولت الکترونیک فقط ایجاد درگاه مجازی در شبکه اینترنت نیست، بلکه بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و ارتباطات برای متحول ساختن دولت و فرآیند حکومتمگری از طریق فضای مجازی برای^۵

بیستم میلادی نشان داده بود. چنین شرایطی حاکی از این تحول است که بستری مناسب برای برقراری پیوندی عمیق و استوار بین قواعد حقوق بین‌الملل و موضوعات جامعه بشری پدیدار گشته است.^۱ شاید بتوان گفت حقوق بین‌الملل محل تلاقی ایده‌ها و زبان مشترک جامعه بین‌المللی و جامعه جهانی شده است که هر چه بیشتر در جوامع ملی نفوذ می‌کند.^۲ با توجه به این امر مطالعه حقوقی دیپلماسی علم لازم است از مباحث نظری و مبنایی آغاز شود و به تدریج وارد موضوعات عینی‌تر و عملی‌تر شود. شاید این دو دسته مباحث نیازمند تدوین و انتشار آثار جداگانه‌ای باشند؛ اما ضرورت‌های پیش‌رو نگارنده را بر آن داشت تا به این امر بپردازد. هدف از تهیه این نوشتار آشنایی اصحاب علم با کلی‌ترین قواعد و مقرراتی است که می‌تواند بر دیپلماسی علم ساری و جاری باشد.

→ دسترسی کارآمد و پاسخگویی مطمئن به شهروندان است. چنین ساختاری موقعیتی را فراهم می‌آورد تا ارائه خدمات و اطلاعات به شهروندان بهبود یابد و شهروندان نیز خدمات و اطلاعات مورد نیاز را در هر زمان و بنا بر معیارهای مشخص به دست آورند و هدف آن کارآمد ساختن عملیات دولتی برای پاسخگویی سریع به نیازهای شهروندان است. در دولت الکترونیک لایه‌های زائد مدیریت دولتی قابل حذف است و امکان دسترسی آسان و همگانی به خدمات و اطلاعات فراهم می‌آید. در ساختار جدید فرآیندهای اجرایی سازمان‌ها تسهیل شده و هزینه‌ها را از طریق یکپارچه‌سازی و حذف سامانه‌های مازاد کاهش می‌دهد. برگرفته از قاضی‌زاده فرد، ج. ۲، ۱۳۸۷، ص ۴.

۱. در توضیح محدوده مکانی حقوق بین‌الملل باید به این نکته توجه کرد که ممکن است برخی اقدامات حقوقی در داخل مرزهای یک کشور محدود شود، اما تجلی برخورد و بروز آن در عرصه بین‌المللی باشد. نقطه قوت این وضعیت این است که عنصر بین‌المللی را جایگزین دولت می‌کند. فراموش نشود که دولت یک موجودیت ملی و داخلی است. به عبارتی بهره‌گیری دولت از روش‌ها و شیوه‌های حقوقی در خارج از مرزهای ملی به منظور تعقیب اهداف راهبردی است. این گونه است که عمل حقوقی دولت خارج از تشریفات دیپلماتیک دست به اقدام می‌زند. با این وصف شاید بتوان گفت که عناصر مشترک تعاریف دولت از سویی و حقوق بین‌الملل از سوی دیگر دارای سه وجه مشترک است: الف. دارا بودن هدف، ب. داشتن انگیزه سیاسی، پ. دارا بودن یک عنصر بین‌المللی.

۲. قابل ذکر است که حقوق بین‌الملل همانند دیگر امور بین‌المللی از قدیم وجود داشته اما در حدود ۳۰۰ سال اخیر مدون شده است. حقوق بین‌الملل در یک صد سال اخیر تحولات بسیاری بر خود دیده است، چنانکه حقوق بین‌الملل قبل از جنگ اول جهانی، با (حقوق بین‌الملل) بعد از جنگ تفاوت بسیار دارد، زیرا با تأسیس جامعه ملل، در نتیجه کشورها ملزم به رعایت مقررات بین‌المللی شده‌اند. موضوعاتی که در حقوق بین‌الملل عمومی مورد بحث است شامل حق حاکمیت و استقلال، شناسایی دولت‌ها، مصونیت‌های رؤسای دول، تشریفات و امتیازات رؤسای دول، مسئولیت دولت در موقع کودتا و انقلاب، اعلان صلح یا جنگ، حل منازعات به طریق مسالمت‌آمیز، مذاکرات مستقیم، وساطت، آشتی، حکمیت، دیوان بین‌المللی دادگستری، قوانین آزادی، سیر کشتی‌ها، آب‌های ساحلی، شرایط کشتیرانی در دریا، رودخانه‌های ملی و بین‌المللی، معاهدات و قراردادهای بین‌المللی، دول مستقل و دول غیرمستقل، تساوی دولت، یاغیگری، جنگ‌های داخلی، عملیات خصمانه قبل از شروع جنگ، اقسام مختلف جنگ، اسرای جنگی، مجروحین و قراردادهای بین‌المللی، جنگ دریایی، متارکه جنگ، تسلیم و عهدنامه صلح، معاوضه اسرای جنگی، استرداد، حقوق و وظایف کشورهای بی‌طرف، نظریه بی‌طرفی و ... ناظم، ۲۵۳۶، ص ۲۰۴ - ۲۰۶.

در جهان معاصر، علم متکی بر فناوری اطلاعات^۱ به‌عنوان محور توسعه پایدار، نقش مهمی را در برنامه‌ریزی‌های کلان اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و آموزشی ایفا می‌کند. این نوع علم فرآیندی است که در آن، داده‌ها و اطلاعات به‌طور مستمر تولید، پردازش، توزیع و مدیریت می‌شوند که قواعد حقوقی خاص خود را نه تنها تعیین، بلکه تحمیل می‌کند ... با دقت در ریشه‌ها و بنیان‌های این تغییرات، درمی‌یابیم که تغییر در دانش، اساس تمامی تغییرات و تحولات جوامع انسانی بوده است.^۲

علم یعنی پژوهش درباره پدیده یا موضوعی معین از قبیل اجسام، گیاه، حیوان، کالبد انسان، جامعه و ... که مبتنی بر سه جزء اساسی است:^۳ الف. مطالعه و بررسی^۴ ب. ارائه فرضیه، پ. آزمون

که به جهان‌بینی علمی منجر می‌شود. هرچند این جهان‌شناسی ناتوان از ارائه چهره کل جهان است، زیرا جزءنگر است و کلی‌نگری با ذات آن در تضاد است. جهان‌بینی علمی از ارائه نظر در مورد اینکه جهان از کجا آمده، به کجا می‌رود و هم‌اکنون در کجا هستیم، ناتوان است.^۵ نگارنده قائل به این است که علم و روشی علمی^۶ موجود با توجه به تحولات دانش^۷ و فناوری اطلاعات

1. Information Technology

۲. علیزاده مالک، سعید و معصومه صفدری، ۱۳۹۷، الفبای گزارش‌نویسی، تهران، انتشارات تی‌آر، ص ۲۶.
 ۳. در پاسخ سؤال «علم چیست؟» می‌توان گفت «علم آن بخش از دانش و آگاهی بشری است که دارای خصلت‌های اساسی ابطال‌پذیری، انتقال‌پذیری و تجربه‌پذیری باشد.»، برگرفته از زراعتی رضایی، ۱۳۸۷، ص ۱۵.

4. Study & Processing

۵. پناهی آزاد، حسن (۱۳۸۹) شناخت، جهان‌بینی و ایدئولوژی، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان، ص ۵۱.
 ۶. مهم‌ترین مشخصه روش علمی ترکیب روش استقرایی و قیاسی است. در روش علمی، فرد به‌طور استقرایی از مشاهده به فرضیه و سپس به‌طور قیاسی از فرضیه به استنباط منطقی می‌رسد و پیامدهایی را که در صورت بودن رابطه فرض شده (فرضیه) پیش خواهد آمد، قیاس می‌کند. اگر استنباط قیاسی با پیکره سازمان‌یافته و دانش موردقبول، هماهنگی داشته و سازگار باشد، با گردآوری داده‌های تجربی مورد آزمون قرار می‌گیرند و بر مبنای شواهد، فرضیه‌ها قابل رد یا اثبات است. (برگرفته از محمودی و مهدوی، ۱۳۹۳، ص ۲۱) روش علمی شش ویژگی دارد:
 الف. مشاهده‌محوری، ب. فرضیه‌محوری (مسئله محور)، پ. نظریه‌محوری،
 ت. کاربردمحوری، ث. ابطال‌پذیری (تجربه‌پذیری)، ج. گزینشی بودن (بخش مشخصی از یک موضوع)، بی‌نا، ۱۳۹۵، ص ۱۵.
 کاربردمحوری روش علمی شامل موارد زیر است:
 اولاً. کشف: به معنای فهم رابطه میان پدیده‌ها
 ثانیاً. توصیف به معنای نام‌گذاری پدیده‌ها و قرار دادن آن‌ها در شبکه‌ای از مفاهیم
 ثالثاً. تبیین به معنای توضیح فرآیند و قوانینی که بر روابط پیش‌گفته حاکم است و آن‌ها را شکل می‌دهد.
 رابعاً. پیش‌بینی به معنای امکانی که در پس کشف، توصیف و تبیین فراهم می‌شود که رابطه بین پدیده‌ها را نمایان می‌کند.
 خامساً. مهار به معنای تصرف (حتی مداخله) در جهان پیرامون به‌منظور حذف جنبه‌های نامطلوب
 به‌این‌ترتیب علم مواجهه متصرفانه با جهان خارج ایجاد وضعیتی که می‌پسندیم. بی‌نا، ۱۳۹۵، ص ۱۷ و ۱۸.
 ۷. دانش یعنی آگاهی در یک زمینه به همراه درک موضوع (Knowledge= Information in text+ Understanding) که به خرد (Wisdom) منجر می‌شود. دانش به پنج دسته تقسیم می‌شود: ←

توان تبیین و در حد امکان تفسیر را دارد. دانش یعنی محصول اندیشه انسان که بر هر نوع آگاهی نسبت به اشیا، پدیده‌ها، روابط و ... که در قلمرو جهان (مادی و ماوراءالطبیعه) احاطه داشته که همراه با تکامل فکری و نیاز انسان در حال رشد و تحول است. البته وظیفه علم؛

→ الف دانش آشکار (Explicit Knowledge): دانشی است که عینی بوده و می‌تواند به‌صورت رسمی بیان شود. این دانش از افراد مستقل بوده و در کتاب، اسناد و ... وجود دارد که قابلیت انتقال فیزیکی آن میسر است.

ب. دانش نهفته (Tacit Knowledge): دانشی است که ضمنی (ذهنی - تلویحی) و انتزاعی بوده و دستیابی به آن آسان نیست و محتوای آن در ذهن افراد است و دانش نانوشته محسوب می‌شود که بیانگر میزان تجربه و مهارت افراد است. (اعرابی و حقیقت ثابت، ۱۳۸۹، ص ۱۷۱، ۱۷۲ و ۱۷۴)

پ. دانش بومی (Indigenous Knowledge): به دانشی اطلاق می‌شود که از حوزه جغرافیایی خاصی سرچشمه گرفته و به‌طور طبیعی تولید شده باشد. دانش بومی یک ثروت ملی است که فرهنگ‌ها، باورها، ارزش‌ها، روش‌ها، ابزارها و آگاهی‌های محلی را در بر می‌گیرد. این همان دانشی است که طی سالیان متمادی اقوام مختلف، روزگار خود را با آن گذرانده و روزی خود را از آن محیط جسته‌اند و برای خود و خانواده سرپناهی آماده کرده‌اند و فرزندان خود را تربیت کرده، کشاورزی خود را گسترش داده یا احشام خود را پرورش داده‌اند و نهایتاً برای خود حکومت تشکیل داده‌اند. دانش بومی با چهار ویژگی زیر قابل توصیف است:

اولاً. ویژگی ساختاری: دارای شاخص فکری، اجتماعی و علمی مردم که با فرهنگ آن منطقه عجین شده است. ثانیاً. منابع انسانی: متکی بر عوامل انسانی درون منطقه‌ای و بومی است که طی سال‌ها نسل به نسل از طریق استاد-شاگردی منتقل شده است.

ثالثاً. منابع اقتصادی: نیاز به سرمایه‌گذاری خاصی نداشته و عمدتاً به دنبال رفع مشکلات مردم منطقه بوده است. رابعاً. فناوری ساده، ارزان و سازگار با محیط است و قابلیت هم‌سو کردن با دانش و فناوری نوین را دارد.

همچنین محدودیت‌های دانش بومی شامل موارد زیر است:

اولاً. دانش بومی در هر منطقه کارکرد خاص خود را دارد و فقط قابل انتقال به مناطق مشابه است.

ثانیاً. دانش بومی در دوره‌ای از روند تولید مؤثر بوده که بهره‌برداری از منابع متعادل بوده است.

ثالثاً. دانش بومی توان حل مسائل پیچیده را ندارد.

ت. دانش نوین (Modern Knowledge): دانشی که به‌صورت نظام‌مند از طریق تحقیقات علمی به روش جمع‌آوری اطلاعات (و حتی ترکیب اطلاعات) در قالب اهداف خاصی با روش‌های آماری مبتنی بر فناوری جدید به دست می‌آید. (برگرفته از محمودی و مهدوی، ۱۳۹۳، ص ۲۳ و ۲۵)

ث. دانش سنتی (Traditional Knowledge- Classic Knowledge) در واژه‌نامه سازمان جهانی مالکیت فکری می‌گوید: «دانش سنتی اشاره دارد به ادبیات، آثار هنری یا کارها، اعمال، ابداعات و کشفیات علمی؛ طرح‌ها، علائم، اسامی یا نشانه‌ها یا اطلاعات افشاء نشده که همگی سنتی باشند و تمامی ابداعات و خلاقیت‌های سنتی که از فعالیت فکری در زمینه‌های صنعتی، علمی، ادبی و هنری ناشی می‌شود. طبقات دانش سنتی می‌تواند شامل موارد زیر شود: «دانش کشاورزی، دانش علمی، دانش فنی، دانش بوم‌شناختی، دانش پزشکی (شامل داروها و درمان‌های مرتبط)، دانش مربوط به تنوع زیستی و نمودهای فرهنگی سنتی.» همچنین کمیته بین‌الدولی مالکیت فکری، منابع ژنتیکی، دانش سنتی و فولکلور سازمان جهانی مالکیت فکری، در گزارش خود پیشنهاد استفاده از ابداعات سنتی (Traditional Innovations) را به جای دانش سنتی داده است.

ج. دانش جمعی (Collective Knowledge): به دانشی اطلاق می‌شود که در دو بعد ملی و بین‌المللی است.

کشف، بیان حقایق و افزایش دانش و بینش برای بهبود امور است که متکی بر منابع پنج‌گانه علم است:

۱. تجربه^۱ ۲. مرجع مطلع و آگاه^۲ (صاحب‌نظران) ۳. استدلال قیاسی^۳ ۴. استدلال استقرایی^۴ ۵. روش علمی^۵

سؤالی که مطرح می‌شود این است که دیپلماسی علم چیست؟ آیا اصولاً امکان دیپلماسی علم بین تمدن‌ها (فرهنگ‌ها) یا کشورها متصور است یا نه؟ دیپلماسی علم علی‌الاصول چه لایه‌ها و مباحثی را دربر می‌گیرد؟

۱. هر فرد بر اساس تجربه شخصی می‌تواند پاسخ برخی مسائل و سؤالات را که با آن‌ها روبه‌رو شده است، بدهد؛ اما بر اساس این‌که تحت تأثیر حوادث قرار می‌گیرد، دریافت‌ها و برداشت‌های شخصی با توجه به قابلیت‌ها و توانمندی‌های فردی متنوع است، در شرایط مشابه ممکن است دو نفر تجربیات متفاوت داشته باشند، بنابراین تجربه قابل تعمیم نیست.

۲. برخی افراد به دلیل تجربه، اطلاع و صلاحیت که ناشی از قابلیت‌ها و توانمندی‌هایشان است توان پاسخگویی به برخی مسائل و سؤالات را دارند که در این مورد نیز به دلیل اختلاف در برداشت و نظر، منجر به بروز تعدد و تنوع آراء می‌شود.

۳. استدلال قیاسی (Deduction- Analogical) به دو نوع اقترانی و استثنایی تقسیم می‌شود. جیوه فلز است. (صغری) // هر فلزی الکتریسیته را منتقل می‌کند. (کبری) // پس جیوه الکتریسیته را منتقل می‌کند. (نتیجه) (میرمدرس، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷) مواد قیاس شامل مشاهدات، تجربیات، بدیهیات، متواترات، مقبولات، مشهورات و یقینیات است. (بابایی طلائی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۰) اولین گام اساسی برای کشف نظام‌مند حقیقت را پیامبران، پیروانشان و سپس دیگر اقوام از جمله فلاسفه یونان برداشتند. در استدلال قیاسی فرد با استفاده از قوانین معین منطقی از احکام کلی به احکام جزئی می‌رسد؛ اما این روش پاسخگوی تمام مسائل و سؤالات نیست، زیرا:

اولاً. نتیجه یک قیاس صوری نمی‌تواند از محتوای صغری (فرض فرعی) و کبری (فرض اصلی) فراتر رود؛ بنابراین نتایج درست باید از صغری و کبری درست به دست آید.

ثانیاً. مباحث هیچگاه از محدوده مقدمه تجاوز نمی‌کند؛ بنابراین برای دستیابی به یک نتیجه درست باید مقدمه را صحیح تدوین کرد.

ثالثاً. این روش به افراد کمک می‌کند فقط با استفاده از نظریه‌های موجود پدیده‌هایی را که به وقوع می‌پیوندد، پیش‌بینی کند. ۴. استدلال استقرایی (Induction) به دو نوع تقسیم می‌شود:

الف. استدلال استقرایی تام (برهانی یا قیاس مقسم): نمونه‌های این استدلال مشخص و معدود است و می‌توان هر یک را جداگانه مطالعه و بررسی کرده و به نتیجه مشخص رسید که اعتبار و قابلیت استناد دارد.

ب. استدلال استقرایی ناقص: نمونه‌های این استدلال بسیار و نامحدود است بنابراین تعدادی را جدا کرده و ضمن مطالعه و بررسی خصوصیات آن‌ها را ثبت و سپس به کل تعمیم می‌دهیم که مفید ظن غالب شمرده می‌شود. (میرمدرس، ۱۳۷۰، ص ۱۴۴) در این شیوه نیز ابتدا پیامبران، پیروانشان و سپس در دوره بعد از نوزایی (رنسانس) در اروپا فرانسویس بیکن متکی بر استدلال استقرایی کسب دانش از طریق مشاهده مستقیم را ترویج کرد. افراد شخصاً طبیعت را مورد مشاهده قرار می‌دهند و واقعیات معین را جمع‌آوری کرده و به یک تعمیم دست می‌یابند.

۵. سعیدعلیزاده مالک و صفدری، ص ۱۷۶.

۲. مبانی نظری

دوران معاصر به دنبال یک انقلاب و رویکرد^۱ جدید در حوزه فناوری در پایان قرن بیستم میلادی قرار گرفته؛ انقلابی که اساساً تعامل افراد با یکدیگر را در تمام سطوح تغییر داده، حتی در حوزه حقوق. این تغییر به لحاظ گستردگی و پیچیدگی‌اش به هیچ‌یک از اتفاقاتی که بشر تا امروز شاهد آن بوده، شباهت ندارد، چنانکه از آن به «انقلاب صنعتی چهارم» یاد می‌شود. واقعیت این است که در هر زمینه و رشته‌ای تبادل علم^۲ به یک ضرورت بدل شده است.^۳ افراد، سازمان‌ها و شرکت‌ها به وسیله علم و فناوری‌ها نه تنها ابزار عملکرد در سطح ملی، بلکه اهرم دخالت در سطح جامعه بین‌المللی را در اختیار دارند. یک فرد با ارتباطاتی که حالت هنر را دارند، در سطح جامعه بین‌المللی به همان سهولت فعالیت‌های محلی- منطقه‌ای، می‌تواند به مشارکت بپردازد. همچنین آموزش^۴ در جوامع ماقبل صنعتی بسیار ابتدایی بود، اما در جوامع صنعتی^۵ نوین، امری کاملاً سازمان‌یافته و پیچیده است که مقدار زیادی از منابع مالی را به خود اختصاص می‌دهد. علم نمودی از سرمایه اجتماعی^۶ هر سازمان، کشور یا جامعه بشری است.^۷ انواع علم شامل مجموعه‌ای از روش‌ها و چهارچوب‌هایی هستند که حاصل تجربیات متنوع و متعدد افراد و سازمان‌ها بوده که به فراخور وظایف، مأموریت‌ها و تقاضاها؛ فرآورده‌ها و محصولات حاوی علم و اطلاعات که راهکارهایی را برای دستیابی به موضوع و مقصود ارائه می‌دهند، تولید و منتشر می‌کنند.

1. Approach

2. Knowledge Exchange- Knowledge swap

۳. سرعت گرفتن گردش علم به‌ویژه در چند دهه اخیر با مدد گرفتن از فناوری اطلاعات و ارتباطات در سایه ماهواره و فضای مجازی ابعادی کاملاً تازه یافته است. ناگفته پیداست که تبادل علم خود ناشی از پیشرفت و گسترش وسایل ارتباطی است.

4. Education

5. Industrial Community

۶. از دیدگاه دادگر، نجفی و اعتصامی مفهوم سرمایه اجتماعی مجموعه صفاتی از جمله وجدان کاری، صداقت، راستگویی، امانت‌داری و ... است که قبل از بعثت رسول گرامی اسلام (ص) موجب شد، حضرتش را «محمد امین» بنامند و در آموزه‌های ایشان روح اخلاقی را گوهر دین دانسته و نهایتاً احساس تعلق به جامعه را از این نمونه قلمداد کرده‌اند که سرچشمه آن انگیزه کمال‌جویی نوع انسان شمرده می‌شود. از دیدگاه فرانسیس فوکویاما سرمایه اجتماعی (Social Capital) مجموعه هنجارهای موجود در نظام اجتماعی است که موجب ارتقاء سطح همکاری اعضای آن جامعه گردیده و باعث پایین آمدن سطح هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد که از دیدگاه اندیشه غربی انگیزه ابزاری دارد. بی‌نا، ۱۳۹۲، صص ۱۱ و ۲۱.

۷. برگرفته از پیشین، ص ۱۷.

از دیدگاه رابرت پوتنام^۱ آمریکایی (در دهه ۱۹۹۰ م.) سرمایه اجتماعی شامل ویژگی‌هایی از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها که می‌توانند کارایی جامعه را از راه تسهیل کنش‌های همکاری‌جویانه بهبود دهند. شاید بهترین تعریف از سرمایه اجتماعی را بتوان در شعر حافظ شیرازی یافت:

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا^۲
یا در جایی دیگر گفته است:

یک حرف صوفیانه بگویم اشارت است ای نور دیده صلح به از جنگ و داوری
حقوق بین‌الملل، حقوق جامعه بین‌المللی است یعنی مجموعه قواعدی که بر جامعه بین‌المللی حاکم است ... حقوق بین‌الملل ناشی از روابط بین‌الملل است اما پس از شکل‌گیری، روابط بین‌الملل را نظم می‌بخشد. حقوق بین‌الملل از آن زمان که جامعه بین‌الملل را از شکل صرفاً سیاسی خارج نمود و نمادی حقوقی به آن بخشید، حقوق جامعه بین‌المللی تلقی گردید.^۳ از دید حقوق بین‌الملل اعضای جامعه بین‌المللی تنها موجودیت‌هایی هستند که هدف مستقیم قواعد و اصول این حقوق قرار می‌گیرند، بنابراین اعضای چنین جامعه‌ای در عین حال تابعان یا اشخاص حقوق بین‌الملل می‌شوند. تا قرن ۱۹ م. فقط دولت‌ها در حقوق بین‌الملل دارای شخصیت حقوقی بودند و سوژه حقوق بین‌الملل (یا صاحب حق و تکلیف) به شمار می‌رفتند، ولی از قرن ۲۰ م. جامعه بین‌المللی به حقوق و تکالیف اشخاص دیگری از جمله سازمان‌های بین‌المللی، شرکت‌های فراملی و در برخی موارد، افراد توجه کرده است.^۴

امروزه نظریه‌های زیادی در مورد ماهیت حقوق بین‌الملل و بازیگران جامعه بین‌المللی وجود دارد که خود موضوع جداگانه‌ای است.^۵ علیرغم نظریه‌های متأخر که انحصار بازیگری دولت‌ها را در

1. Robert Putnam

۲. برگرفته از قدسی، امیر (۱۳۸۹) جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم ج.ا.ایران، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز، صص ۱۳۲ - ۱۴۱.

۳. بی‌نا (۱۳۸۲) حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، انتشارات سنجش اول، ص ۱.

۴. برگرفته از همان، ص ۴۳.

۵. اندیشه حقوقی نیز هم چون دیگر شاخه‌های اندیشه دچار نابسامانی است که دچار آفات روش‌شناختی (متدولوژیک) است. به تعبیری، می‌توان این آسیب‌ها را به چند دسته تقسیم کرد:

الف. تخیلی بودن تفکر ب. سلیقه‌ای بودن تفکر

پ. ضعف در دستیابی به اجماع نظرت. ضعف در برخورد با ابهام ←

جامعه بین‌المللی زیر سؤال می‌برند، دولت‌ها همچنان فعال‌ترین و شناخته‌شده‌ترین بازیگران این صحنه باقی مانده‌اند.^۱ حتی اگر سازمان‌های بین‌المللی^۲، نیروها و احزاب فراملی^۳، شرکت‌های چندملیتی و افراد^۴ را نیز جزو بازیگران بین‌المللی محسوب کنیم^۵، باید اذعان کرد دولت‌ها یکه‌تاز این عرصه هستند. از این رو مطالعه و تحقیق پیرامون مسائل و حوادثی صورت می‌گیرد که دولت‌ها مجبور به اتخاذ موضعی صریح یا ضمنی در قبال آن هستند.^۶

→ث. ضعف در توجه به زمان ج. ضعف در توجه به مکان

چ. ضعف در توجه به موضوع و موقعیت آن ح. ضعف در مواجهه فکری

خ. ضعف در انتخاب میان کنترل اندیشه و مدیریت اندیشه. برگرفته از سریع‌القلم، ۱۳۸۰، صص ۶۲-۹۴.

هرچند به نظر نمی‌رسد بین ۹ ویژگی بالا ارتباط منطقی با شرایط افراز (جامعیت و مانعیت) وجود داشته باشد، اما به‌هرحال موارد مذکور می‌تواند مدعای مورد بحث یعنی ناهنجاری روش شناختی در حقوق بین‌الملل را تأیید نماید.

۱. دولت‌ها اشخاص اصلی حقوق بین‌الملل هستند ... بر اساس موازین حقوق بین‌الملل، دولت نهادی است که دارای سرزمین معین و جمعیتی دائمی است که تحت نظارت آن حکومت بوده و با دیگر نهادها روابط رسمی برقرار ساخته یا می‌تواند برقرار نماید. این تعریف شاخص‌های «دولت بودن» را که در کنوانسیون ۱۹۳۳ م. مونته‌ویدئو درباره حقوق و وظایف دولت‌ها منعکس شده، بیان می‌کند. والاس، ۱۳۸۲، ص ۷۱.

۲. یک سازمان بین‌المللی از نظر حقوق بین‌الملل نهادی است که از طریق عقد موافقت‌نامه استقرار یافته و دولت‌ها اعضای اصلی آن هستند. والاس، ۱۳۸۲، ص ۸۱.

3. Transnational

۴. افراد دارای شخصیت بین‌المللی محدودی هستند. در عین حال حقوق بین‌الملل معاصر به نحوی فزاینده این امر را به رسمیت شناخته که یک فرد می‌تواند هم از امتیازات و هم از وظایف بین‌المللی برخوردار گردد. (والاس، ۱۳۸۲، ص ۸۶)

۵. طبق نظریه سنتی، حقوق بین‌الملل منحصرأ حاکم بر روابط کشورها با یکدیگر است و کشورها تنها تابع یا شخص حقوق بین‌الملل هستند ولی طرفداران مکتب جامعه‌شناسی حقوقی این نظر را مورد انتقاد قرار دادند و از این عقیده حمایت می‌کنند که فقط افراد می‌توانند تابع حقوق بین‌الملل باشند. (سنجش اول، ۱۳۸۲، ص ۴۳) طبق نظر دیوان بین‌المللی دادگستری تابع یا شخص حقوق بین‌الملل بودن یعنی برخوردار شدن از شخصیت بین‌المللی و آن مشروط به داشتن دو صلاحیت است:

الف. صلاحیت دارا بودن حقوق و وظایف بین‌المللی

ب. صلاحیت بهره‌مند شدن از این حقوق و وظایف از طریق صدور اعلامیه بین‌المللی

به‌طور کلی شخصیت دولت در حقوق بین‌الملل اصلی و شخصیت اشخاص دیگر (افراد و سازمان‌های بین‌المللی) تبعی و ناشی از دولت‌هاست. طبق نظر دیوان بین‌المللی دادگستری می‌توان نظریه سنتی در مورد تابع حقوق بین‌الملل (دولت‌ها) را رد کرد: «زیرا در یک نظام حقوقی، ضروری نیست که تابعان یا اشخاص حقوقی از نظر ماهیت یا از حیث وسعت شبیه یکدیگر باشند.» سنجش اول، ۱۳۸۲، ص ۴۴.

۶. در مورد موضع ج.۱. ایران در مورد حقوق بین‌الملل، با توجه به اصول ۷۲ و ۱۲۵ قانون اساسی، مخصوصاً ماده ۳ قانون مدنی که مقرر می‌دارد: «مقررات عهودی که بر طبق قانون اساسی بین دولت ج.۱. ایران و سایر دول منعقد شده باشد، در حکم قانون است، بنابراین معاهده بین‌المللی در حکم قانون عادی است و قدرتی برابر با قانون عادی دارد. لازم به یادآوری است که مسئله تساوی اعتبار حقوق داخلی و حقوق بین‌الملل در نظام حقوقی ج.۱. ایران، محدود به حقوق بین‌الملل قراردادی است، نه سایر مقررات حقوق بین‌الملل. همچنین تشریفات مربوط به انعقاد یک معاهده بین‌المللی همچون تشریفات مربوط به وضع یک قانون عادی است. (تصویب مجلس و امضای رئیس‌جمهور) البته رویه در نظام قانون‌گذاری ج.۱. ایران معمول گردیده که ←

دو ویژگی عمده حقوق بین‌الملل عبارت است از:

الف. حاکم بر روابط دولتها است.

ب. دارای قواعد و اصول الزام‌آور است.^۱

برنامه اقدام درباره نظام نوین اقتصادی بین‌المللی خواستار ایجاد قواعد بین‌المللی برای انتقال علم و ابزار فنی پیشرفته به نحوی که کشورهای در حال توسعه بتوانند در شرایط بهتری به علم و ابزار فنی جدید دسترسی پیدا کنند و نیز خواستار اتخاذ رویه‌های مناسب برای انتقال علم و ابزار فنی پیشرفته به منظور پاسخگویی به نیازهای دولت در حال توسعه شده است.^۲ به منظور پیگیری برنامه مزبور، کنفرانس سازمان ملل متحد برای تجارت و توسعه (آنکتاد)^۳ در سال ۱۹۷۸ م. «پیش‌نویس قواعد بین‌المللی انتقال دانش فنی»^۴ را تهیه کرد.^۵ هدف آن پیش‌نویس تسهیل انتقال علم و ابزار فنی جدید و نیز کاهش هزینه این امر برای کشورهای در حال توسعه است که در چندین کنفرانس دیپلماتیک مطرح شده است، ولی هنوز توافق لازم درباره مفاد آن صورت نگرفته است. اختلاف اساسی بر سر این است که مواد آن باید به صورت رهنمودهای داوطلبانه باشد یا این که به شکل پیمان تعهدآوری درآید.

همچنین سازمان بین‌المللی مالکیت معنوی (واپو)^۶ به منظور تجدیدنظر در کنوانسیون بین‌المللی حمایت از مالکیت صنعتی^۷ ۱۸۸۳ م. تلاش‌هایی کرده است. گرچه درباره مقررات پیشنهادی برای تجدیدنظر در کنوانسیون فوق‌الذکر، ضمن اجلاس‌های سال ۸۱-۱۹۸۰ م. بحث شده است، ولی هنوز توافق قطعی به عمل نیامده است، در حالی که قواعد پیشنهادی و نیز کنوانسیون

→ کاملاً حاکی از پذیرش نظریه یگانگی حقوق با برتری حقوق داخلی است. از جمله قانون الحاق ج.ا.ایران به کنوانسیون ملل ← متحد برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان‌گردان مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸ م؛ که در تاریخ ۱۳۷۰/۹/۳ در مجلس شورای اسلامی تصویب شد به این شرط که «مفاد کنوانسیون در مواردی که با قوانین داخلی و موازین اسلام معارض گردد از طرف ج.ا.ایران لازم‌الرعايه نباشد.»، سنجش اول، ۱۳۸۲، ص ۱۳.

۱. همان، ص ۳.

۲. برگرفته از چرچیل، رابین و آلن لو (۱۳۸۳) حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه بهمن آقایی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم، ص ۴۶۲.

3. UNCTAD

4. Draft International Code of Conduct on the Transfer of Technology

۵. فعالیت آنکتاد و سازمان جهانی مالکیت معنوی درباره انتقال علم و ابزار فنی پیشرفته حالت عمومی دارد.

6. World Intellectual Property Organization (WIPO)

7. International Convention for the Protection of Industrial Property

تجدیدنظر شده به طور انحصاری به قواعد حقوقی دیپلماسی علم مربوط نمی‌شود، ولی دارای کاربرد عمومی است.^۱

تغییر در نوع نگرش و رویکرد کشورهای صاحب قدرت و همچنین تغییر در ماهیت روابط آنها نسبت به دیگر کشورها، موجب تحول در رفتارها و اقدامات دیپلماتیک شده است.^۲ اما آیا برآیند این تغییرات منجر به شکل‌گیری نوعی دیپلماسی نوین به نام «دیپلماسی علم» بین کشورها شده است؟ در این صورت مؤلفه‌های اساسی الگوی مزبور چیست و چگونه می‌توان آن را تبیین و تحلیل کرد؟

در چنین وضعیتی به وضوح می‌توان گفت که دیپلماسی علم موضوعی پیچیده با ابعاد چندگانه است که در کانون سیاست‌های ملی و بین‌المللی قرار دارد و هر چه می‌گذرد عوامل تأثیرگذار بر آن افزایش می‌یابد. در واقع از یکسو ماهیت چندجانبه این مفهوم ارائه تعریفی از آن را مشکل کرده و از سوی دیگر از این مفهوم به عنوان چتری برای پوشش بسیاری از موضوعات مرتبط با علم، ابزار سیاست خارجی و روابط بین‌المللی از جمله توسعه پایدار (در حوزه اقتصادی، سیاسی و فرهنگی) در قالب دیپلماسی علم نیز استفاده می‌شود. هر چند که قوانین خواه ملی یا بین‌المللی در خلاء رشد نمی‌کنند، بلکه تحت تأثیر عوامل متعدد از جمله اقتصاد، سیاست، جغرافیای محیط واقعی و ... که این قوانین مربوط به آنها می‌شود، شکل می‌گیرد.

در حالی که جامعه داخلی از افراد و گروه‌ها تشکیل شده، جامعه بین‌المللی^۳ مرکب از دولت‌هاست.^۴ جامعه بین‌المللی جامعه‌ای است که از همکاری و همبستگی مبتنی بر منافع مشترک و نیازهای متقابل کشورها به وجود آمده^۵ و مقررات حقوق بین‌الملل به آن نظم خاصی بخشیده و به آن

۱. برگرفته از همان، ص ۴۶۳.

۲. بر اساس شواهد تاریخی می‌توان گفت که جو حاکم بر جامعه بین‌المللی در هر دوره حاصل توافقی است که بین کشورهای صاحب قدرت صورت گرفته است و اصول آن تا استقرار یک نظام دیگر که آن‌هم به همین ترتیب به وجود می‌آید، معتبر خواهد بود. دیپلماسی در مفهوم سنتی خود یعنی انطباق نظریات و حل اختلافات از طریق مذاکره نیز فقط در چنین شرایطی یعنی در شرایط وجود یک نظم بین‌المللی مشروع (مبتنی بر قبول عام - General Consensus) امکان‌پذیر است. برگرفته از نقیب‌زاده، ۱۳۶۹، ص ۱۹.

3. International Community

۴. مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۷) حقوق بین‌الملل عمومی، تهران، مؤسسه چاپ انتشارات وزارت خارجه، چاپ پنجم، (ص ۵)
 ۵. نهادهای حقوقی بین‌المللی، تشکل‌های جمعی و قواعد تأسیسی هستند که بر اساس حقوق بین‌الملل ایجاد شده‌اند مانند کشورها، سازمان‌های بین‌المللی و معاهدات. (سنجش اول، ۱۳۸۲، ص ۱) همچنین تفکیک حقوق بین‌المللی عمومی از حقوق ←

حاکم شده است.^۱ امروز مفهوم جامعه بین‌المللی^۲ را به وجود دولت‌ها پیوند می‌زنیم.^۳ بنا به تجربه تاریخی در جامعه بین‌المللی حکمیت نهایی با قدرت است و کشورهای صاحب قدرت بازیگر نقش اول هستند و سایر عوامل و بازیگران را تحت‌الشعاع عملکرد و مواضع خود قرار می‌دهند. این وضعیت چنان مهم و تأثیرگذار است که حتی در حقوق بین‌الملل لازم است ابتدا کانون‌های قدرت را که ممکن است از یک کشور یا اتحادیه‌ای از کشورها تشکیل شوند، تشخیص داده و سپس انگیزه‌ها و اهداف آنها در سیاست خارجی را مدنظر قرار دهیم؛ زیرا این کانون‌ها به‌منزله محوری هستند که طیف‌های ضعیف‌تر قدرت را به دنبال حرکت خود می‌کشانند.

انسان جامعه‌گرا و فرهنگ‌ساز از سپیده‌دم تاریخ به کنوکار و دربارہ نحوه نظام اجتماعی، خاستگاه جامعه و چگونگی اداره بهینه آن پرداخته است و به جرأت می‌توان گفت از اینجا اندیشه حقوقی آغاز شده است. حقوق جمع حق و حق عبارت از قدرت و امتیازی که طبق قواعد، حقوقی برای تابعان شناخته شده است. به همین اعتبار حقوق بین‌الملل^۴، حقوقی است که در روابط بین بازیگران مختلف بین‌المللی به کار می‌رود.^۵ حقوق در معنای وسیع کلمه محصول عملی است که

→ بین‌الملل خصوصی از سال ۱۸۴۳ م. به بعد آغاز شد. در این سال فولیکس برای نخستین بار با نوشتن کتابی با نام «شرح حقوق بین‌المللی خصوصی» این اصطلاح را متداول کرد. سنجش اول، ۱۳۸۲، ص ۲.

۱. سنجش اول، ص ۱.

۲. این اصطلاح و جامعه دولت‌ها (Society of States) هر دو مترادف بوده و در نظریه مکتب انگلیسی برای توصیف «گروهی از دولت‌های آگاه به منافع مشترک و ارزش‌های مشترک» به کار می‌رود که «جامعه‌ای را با مجموعه قواعدی مشترکی در روابط مشترک میان خود تشکیل داده و در فعالیت نهادهای مشترک شریک هستند». کر و وایزمن، ۱۳۹۲، ص ۵۲۲.

۳. جهانی بودن سازمان ملل متحد موجب حضور دیپلمات‌هایی بیش از ۱۹۳ کشور در مقر این سازمان در نیویورک شده است، کاملاً واضح است که دولت‌ها به خاطر کسب مشروعیت از جانب این سازمان به‌عنوان عضوی از جامعه دولت‌ها (Society of States) در سطح بین‌المللی - نقشی که پیش‌ازاین از طریق هنجارهای حقوقی و دیپلماتیک «شناسایی» (Recognition) و تبادل سفیر صورت می‌گرفت - برای عضویت آن ارزش زیادی قائل‌اند ... از آنجایی که بازیگران متفاوتی در فرآیند دیپلماتیک سازمان ملل متحد وارد شده‌اند، بهتر است آن را به‌جای کادر دیپلماتیک (Diplomatic Corps)، جامعه دیپلماتیک (Diplomatic Community) سازمان ملل متحد بنامیم. کر و وایزمن، ۱۳۹۲، ص ۴۸۲ و ۴۸۳.

۴. تعریف دیوان دائمی دادگستری از حقوق بین‌الملل: حقوق بین‌الملل به‌منزله حقوق جامعه بین‌المللی هدفش کشورها و دیگر گروه‌های بین‌المللی است، تنها کشورها و گروه‌های مذکور شایستگی نامیده شدن موضوع حقوق بین‌الملل را دارند؛ بنابراین حقوق بین‌الملل حقوق بین گروه‌ها است. شخصیت اصلی و صاحب حق و تکلیف یا سوژه حقوق بین‌الملل، دولت‌ها هستند. سنجش اول، ۱۳۸۲، ص ۲.

۵. حقوق بین‌الملل به آن دسته از قواعد و ضوابطی اطلاق می‌گردد که رفتار دولت‌ها و دیگر نهادهای دارای شخصیت بین‌المللی را تنظیم می‌کند، برای نمونه می‌توان به روابط متقابل افراد و سازمان‌های بین‌المللی اشاره نمود ... قواعد حقوق بین‌الملل را نمی‌توان مانند حقوق داخلی به آسانی شناسایی و احراز نمود ... گاهی اوقات نقش سیاست به‌گونه‌ای است که ←

تابعان از طریق آن برای جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند، قانون‌گذاری می‌کنند، قوانینشان را حفظ می‌کنند و در صورت لزوم آن را اصلاح می‌کنند. از این رو پیوند حقوق با پدیده‌ها به صورتی ناگزیر تضاد و تعاون دارد. از یک سو وجود نظرات مخالف و رقیب، خواست‌های متفاوت و نیازهای متضاد، موجب عدم توافق درباره قوانینی می‌شود که تابعان در سایه آن زندگی می‌کنند؛ و از سوی دیگر تابعان این نکته را نیز تشخیص می‌دهند که برای حفظ یا تغییر این قوانین باید با دیگران همکاری و تعاون داشته باشند. شاید به همین دلیل است که می‌توان قلب حقوق را فرآیند حل تضادهایی توصیف کرد که در آن، دیدگاه‌ها با خواست‌های متضاد با یکدیگر آشتی می‌کنند؛ بنابراین سؤالات زیر دغدغه‌ای بنیادین برای آحاد جامعه بالأخص رهبران، مدیران و اندیشمندان در سطح جامعه بین‌المللی است:

۱. علم معتبر و قابل اطمینان را از چه طریق می‌توان به دست آورد؟ (چگونه)

۲. مطالب غیرمعتبر را با چه روشی باید حذف کرد؟ (چگونه)

۳. افراد توانایی تشخیص و دریافت علم را از چه طریق کسب می‌کنند؟ (چگونه)

۳. حقوق جهانی

در فضای جهانی، تولید حقوق توسط نهادهای گوناگون و متفاوت انجام می‌شود که در این بین نقش نهادهای خصوصی قابل ملاحظه است؛ زیرا در حقوق جهانی دیدگاه جدیدی از مفهوم سرزمین وجود دارد، چون حقوقی فراملی است که بخش اعظم آن خارج از حیطه دولت‌ها تولید

→ حقوقدان نمی‌تواند از آن فارغ و برکنار بماند. حقوقدان نباید در مورد حکومت قانون بر روابط میان دولت‌ها اغراق نماید، در غیر این صورت در ارزیابی این موضوع که اصولاً سیاست عامل محرک دولت‌هاست و اینکه به‌عنوان یک ضابطه در روابط بین‌الملل چه چیز مقبول است، ناتوان می‌ماند؛ بنابراین حقوقدان نباید برای درک مفاهیم حقوق بین‌الملل دیدگاه خود را رها کند، بلکه باید برای درک مشکلات از منظر یک غیرحقوقدان به مسائل بنگرد تا دریابد که چگونه سیاستمداران حقوق بین‌الملل را تفسیر و تعبیر می‌کنند و در نیل به اهداف خود از حقوق بین‌الملل بهره می‌برند، به این ترتیب حقوق بین‌الملل برای آن‌ها به منزله جعبه‌ابزار (A Toolbox for the Statesmen) است که می‌تواند در پیشبرد منافع ملی آن‌ها مورد استفاده قرار گیرد. اگر حقوق بین‌الملل منافع دولتی خاص را تأمین ننماید ممکن است به‌زعم آن دولت نفوذ و کارایی خود را از دست بدهد. این امر به آن معنا نیست که آن دولت مسئله را انحصاراً سیاسی قلمداد می‌نماید و مدعی می‌شود که از طریق اصول حقوقی قابل حل و فصل نیست. از این رو حقوقدانان باید به این نکته توجه نمایند که تصمیم به حل و فصل یک اختلاف از طریق آیین‌ها و اصول حقوقی به منزله تصمیمی سیاسی قلمداد می‌شود. والاس، ۱۳۸۲، ص ۱ و ۳۷۹.

می‌شود و به دنبال نزدیک‌تر کردن نظام‌های حقوقی با معیارهای مشترک است.^۱ هنجارهای حقوق جهانی تبعاتی بر نظام‌های حقوقی داشته که به موارد زیر می‌توان اشاره کرد:

۱. **نفوذپذیری^۲**: جهانی‌شدن نظام‌های حقوقی را در مقابل نفوذ هنجارهای خارجی، آسیب‌پذیر ساخته و توان مقابله و توان مقابله و مقاومت آنها را در مقابل این پدیده ضعیف کرده است.
۲. **رقابت^۳**: جهانی‌شدن از طرفی دیگر نظام‌های حقوقی را به رقابت با یکدیگر واداشته است. به طوری که تفاوت‌ها و تشابهات، نقاط قوت و ضعف هر یک را نمایان ساخته است و ترجیح این است که به جای مقابله، کشورها به هماهنگی نظام‌های حقوقی خود توجه کنند.
۳. **هماهنگ‌سازی^۴**: در دل جهانی‌شدن جنبشی در جهت همگرایی و نزدیک شدن نظام‌های حقوقی به یکدیگر وجود دارد که یکسان‌سازی^۵ نبوده و مشخصاً همگرایی و هماهنگی محسوب می‌شود.^۶
۴. **گسترش و تعمیم**: انتشار، ورود و جریان یافتن^۷ هنجارهای حقوق جهانی به داخل نظام‌های حقوقی به شیوه‌های متعدد و متنوع انجام می‌شود.^۸

حقوق جهانی اساساً یک حقوق هماهنگ‌کننده است که گویای توافق کشورها بر یک‌سری مشترکات بوده که عملاً حاکمیت کشورها را به چالش کشیده است. ورود هنجارها و معیارهای حقوق جهانی به درون نظام‌های حقوق داخلی به صورت غیررسمی^۹ یا حتی گاه بدون برنامه‌ریزی قبلی^{۱۰} انجام می‌شود. همچنین دولت‌ها که محور همیشگی تولید حقوق بودند، دیگر نقش مهمی در تولید حقوق جهانی ندارند و بدین ترتیب حقوق جهانی از اصل سلسله‌مراتب پیروی نمی‌کند و هر یک منطبق و دغدغه خاص خود را دنبال می‌کنند. به بیان دیگر شاهد تلفیقی از حقوق دولتی و

۱. برای نمونه در زمینه قراردادهای دولتی معیارهای بین‌المللی همچون شفافیت، رقابت، تبلیغات و ... را ترویج کرده و دنبال می‌کند.

2. Permeabilisation

3. Competition

4. Harmonisation

5. Uniformisation- Unification

6. Harmonisation- Rapprochement

7. Incorporation, Integration, Transportation

۸. گاه قواعد عرفی در زمینه تجارت بین‌الملل است که توسط کارگزاران خصوصی شکل گرفته که دادگاه‌های داخلی آن‌ها را به عنوان یک رویه پذیرفته و به این ترتیب وارد حقوق داخلی شده‌اند.

۹. برای نمونه می‌توان به نظریه‌های بانک جهانی و صندوق بین‌الملل پول در زمینه حکمرانی مطلوب اشاره کرد.

۱۰. به موجب مفهوم اصل یا قاعده‌ای به زمینه‌های دیگر سرایت می‌یابد، درحالی‌که در ابتدا قرار بر این نبوده است.

تنظیم‌گری خصوصی هستیم. به نسبت تعدد تولیدکنندگان حقوق دچار تنوع، تورم و پراکندگی هنجارها شده‌ایم که تقسیم‌بندی‌های گذشته را دشوار؛ و نوعی بی‌نظمی را ترسیم می‌کند و بلا تکلیفی را تداعی می‌کنند. حال سؤال این است که امروزه قانون‌گذار کیست؟ قدرت اجرایی از آن کیست؟ قدرت تنبیهی و مجازات در دست کیست؟

البته هنجارهای حقوق جهانی به صورت قالب‌های کلی «مفاهیم باز»^۱ هستند که بعد از شکل‌گیری وارد حقوق داخلی می‌شوند.^۲ این هنجارها را از سه بعد می‌توان بررسی کرد:

۱. به لحاظ شکل‌گیری^۳

۲. به لحاظ محتوا^۴

۳. به لحاظ تأثیر

هنجارهای حقوق جهانی در حوزه تأثیر دارای سه دسته اصالت و ویژگی است:

الف) گروه هدف افراد عادی، شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، انجمن‌ها، تقسیمات کشوری و ... هستند.

ب) به لحاظ ارزش حقوقی و اقتدار بیشتر به صورت الگوهای رفتاری یا هنجارهای توصیه‌ای (حقوق نرم)^۵ هستند که گاه به صورت الزام‌آور درمی‌آیند.

پ) نحوه اجرای هنجارهای حقوق جهانی بسته با سازوکارهای خاص خود است^۶ که گاه به عهده حقوق داخلی است که آنها را اجرا می‌کند و در صورتی که رعایت نشوند، مجازاتی را در این مورد پیش‌بینی کند.^۷

1. Open - textured

۲. اگر این هنجارها توسط دولت‌ها در چهارچوب سازمان‌های بین‌المللی مورد قبول واقع شده باشند، به دنبال فرآیند تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی، آن چیزی که وارد حقوق داخلی می‌شود، مجموعه‌ای از اصولی است که برای عملکرد صحیح فعالیت‌های جهانی (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و ...) یا برای تحقق بهتر حقوق (نظیر محیط‌زیست) ضرورت دارند.

۳. در زمینه‌هایی همچون اینترنت از قدرت هم‌زمان تقنینی و اجرایی برخوردارند، تولید هنجار می‌کنند و در عین حال که قدرت اعمال مجازات هم دارند.

۴. در حقوق جهانی طبیعتاً دغدغه‌هایی همچون تسهیل نمودن فرآیندها و جریان‌های فراملی همچون تبادلات اقتصادی وجود دارد.

5. Soft Law

۶. مانند حقوق جهانی تجارت (ارگان‌های سازمان تجارت)، حقوق جهانی بشر (دادگاه‌های منطقه‌ای، کمیته حقوق بشر) دیوان کیفری بین‌المللی و ...

۷. برگرفته از معتمدنژاد، رؤیا، ۱۳۹۵، حقوق جهانی ارتباطات، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

امروزه هیچ فعالیتی نیست که تحت تأثیر جهانی شدن نبوده باشد. فرآیند جهانی شدن حقوق^۱ نیز از آن موارد است همچون حقوق جهانی تجارت، حقوق جهانی محیط زیست، حقوق بنیادی بشر، حقوق جهانی قراردادهای دولتی، حقوق جهانی فضای مجازی و حقوق جهانی بازارهای مالی و ... فرآیند یادشده از موضوعات داخلی و ملی غافل نمانده و به سراغ ساختار عملکرد دولت‌ها یا همان حکمرانی مطلوب نیز رفته است. حقوق جهانی؛ حقوقی مختلط، تلفیقی، ترکیبی است که از کنوانسیون‌های بین‌المللی، قراردادهای عادی، قانون‌گذاری دولتی، قواعد انضباطی حرفه‌ای (نظیر اینترنت) متشکل از مجموعه هنجارهای ملی و بین‌المللی، معیارهای الزام‌آور و غیرالزام‌آور ... است. حقوق جهانی، حقوقی است که بر مجموعه‌ای اصول و ارزش‌هایی که جامعه بین‌الملل بر آنها تأکید و آنها را پذیرفته است.^۲ به این ترتیب حقوق دیپلماسی علم شاخه‌ای از حقوق به شمار می‌رود که از دیرباز فرآیند بین‌المللی شدن و جهانی شدن بر آن تأثیر گذاشته است و با توجه به معیارهایی که برای تعریف حقوق جهانی شمرده شد، می‌توان مدعی شد که حقوق دیپلماسی علم یک حقوق جهانی محسوب می‌شود که با توجه به فرامرزی بودن آن، کاملاً امری بدهی است. دیپلماسی علم به سبب عملکردهای حساس و سازمان‌دهی خاص آن از پدیده‌های مهم و بسیار مؤثر در روابط بین‌المللی است. فعالیت‌ها و ابزار علمی علاوه بر محیط زندگی داخلی کشورها، در عرصه زندگی بین‌المللی نیز با برخی جنبه‌های ویژه توسعه می‌یابند و در پرورش و گسترش افکار عمومی جهانی، به بیان دیگر تبادل آگاهی و اطلاعات، قضاوت‌ها و عقاید و ارزش‌های مردم کشورهای جهان در برابر مسائل مشترک آنان که از عوامل تعیین‌کننده روابط بین‌المللی به شمار می‌روند، نقش تأثیرگذاری ایفا می‌کند.

۴. عرصه‌های حقوق بین‌الملل

دولت‌ها و ملت‌ها برای بهره‌مندی از مواهب الهی و برخورداری از نظم، امنیت و آسایش، به تعاون و مبادلات گسترده و قوانینی نیاز دارند که آن را نظام بخشد، خصوصاً با پیشرفت صنعت و فناوری که جوامع را مانند پیچ و مهره‌های یک ساعت به هم مرتبط کرده، به گونه‌ای که بدون یکدیگر نمی‌توانند به زندگی خود ادامه دهند؛ بنابراین انزوا از جهان، دولت‌ها و ملت‌های دیگر

1. Globalization Juridique

۲. برگرفته از همان، ص ۷۸ تا ۸۳.

امکان ندارد و هیچ دولتی برای تأمین نیازهای مختلف خود از معاونت و تبادل با دیگران بی‌نیاز نیست و پیشرفت کشورها مرهون روابط سالم با یکدیگر است، به علاوه برخورد منافع و تعارض ناشی از عوامل گوناگون می‌تواند جهان را به صحنه نبردهای خونین دولت‌ها مبدل کند و اگر قانونی برای حل این مسئله وجود نداشته باشد، برخورد اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. حقوق بین‌الملل مجموعه‌ای از قواعد الزام‌آور است که بر روابط بین دولت‌ها حاکم است با توجه به این مقدمه می‌توان تعریف‌های متعددی را که حقوق‌دانان از حقوق بین‌الملل ارائه داده‌اند، مورد ارزیابی قرار داد.^۱

همچنین قسمت عمده قواعد حقوق بین‌الملل قواعد و اصول الزام‌آور^۲ است، به عقیده دکتر صفدری حقوق بین‌الملل علاوه بر تنظیم روابط بین کشورها، طرز تشکیل و وظایف سازمان‌های بین‌المللی و روابط این سازمان‌ها را با یکدیگر و با کشورها و در بعضی موارد حقوق و تکالیف افراد را معین کند.^۳ حقوق بین‌الملل دارای چهار ویژگی شاخص است:

۱. این قوانین بیانگر مجموعه‌ای خاص از ضوابط اخلاقی در رفتار می‌باشند. از آنجایی که این قوانین از سوی کشورها در تنگنا بوده و در این خصوص هیچ سازوکار اجرایی بین‌المللی وجود ندارد، صرفاً به توصیه‌هایی چند در خصوص رفتار بشری محدود شده‌اند. عملکرد کشورها باید نشان‌دهنده این باور باشد که پیروی از قوانین موجب نوعی سود مشترک شده و نقض آنها نیز پیامدهایی منفی در بر خواهد داشت.

۱. به‌طور خلاصه قواعد و مقرراتی که اجزاء تشکیل‌دهنده حقوق بین‌الملل می‌باشند شامل سه قسمت است:

الف. قواعدی که دولت‌ها در روابط فی‌مابین خود مکلف به رعایت آن می‌باشند.

ب. قواعد مربوط به تأسیس، طرز کار، وظایف و تکالیف سازمان‌های بین‌المللی

پ. قواعدی که به‌موجب آن‌ها حقوق و تکالیف بین‌المللی برای افراد و اشخاص (تابعان حقوق بین‌الملل) ایجاد می‌شود.

به‌بیان‌دیگر هدف حقوق بین‌الملل و قلمرو آن در سه چیز خلاصه می‌شود:

اولاً. تعیین صلاحیت دولت‌ها

ثانیاً. تعیین تعهدات دولت‌ها

ثالثاً. تنظیم صلاحیت سازمان‌های بین‌المللی، کاظمی، ۱۳۷۲، ص ۳۲۲.

۲. در توضیح این عبارت نوشته شده است «همه قواعد حقوق بین‌الملل جنبه الزام‌آور ندارند، برخی از روی حسن نیت و برای نزاکت رعایت می‌شوند، مانند سلام دادن به کشتی جنگی در دریا ... یک دسته قواعدی هستند که جنبه استاندارد و اصول راهنما دارند و به‌صورت الزام‌آور بیان نمی‌شوند، مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ م. مجمع عمومی سازمان ملل متحد، این‌گونه موازین و استانداردها در صورتی که مورد قبول دولت‌ها قرار گیرند، می‌توانند به‌صورت الزام‌آور درآیند.»، مقتدر، ۱۳۷۷، ص ۳ و ۴.

۳. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، ۱۳۸۴، حقوق بین‌الملل عمومی، کتابخانه گنج دانش، چاپ ۲۲، ص ۲۶.

۲. حقوق بین‌الملل یک فرآیند جاری است تا مجموعه‌ای خاص از قوانین و به‌طور عمده بر اساس سوابق پیشین تکامل می‌یابند. این قوانین طوری ظاهر می‌شوند که گویی مجموعه‌ای از سوابق بازآفرینی شده‌اند. بنا به اعتقاد صاحب‌نظران ۹ اصل بنیادین حقوق بین‌الملل طی قرن ۲۰ م. ظاهر شده‌اند:

الف) استقلال یکسان کشورها

ب) تمامیت ارضی و استقلال کشورها

پ) حقوق برابر و خودمختاری

ت) عدم‌مداخله در امور داخلی دیگر کشورها

ث) رفع تدریجی اختلاف میان کشورها

ج) عدم استفاده از زور یا تهدید در امور مذکور

چ) اجرای وظایف بین‌المللی با حسن نیت

ح) همکاری با دیگر دولت

خ) احترام به حقوق بشر^۱

۳. حقوق بین‌الملل نیازمند یک سنت بیانی است. فرآیند ظهور و تکامل مقررات را باید در غالب معاهده‌ها، موافقت‌نامه‌های بین‌المللی، قطعنامه‌ها، احکام قضایی و حتی رسوم بیان کرد. در بسیاری موارد قوانین بین‌المللی نتیجه کنفرانس‌هایی هستند که در برخورد با مسائل خاصی (چون گرم شدن کره زمین و خسارت مداوم از سوی معادن زمینی) تشکیل می‌شوند. گاهی اوقات مشکلات، زمانی به وجود می‌آیند که کارشناسان حقوقی باید تفاوت میان وظایف سنتی و قراردادی را مشخص کنند، خصوصاً اگر قراردادها جدید بوده (مانند قوانین سازمان ملل در کنوانسیون دریاها) و سنت‌های جدیدی را به انواع قدیمی‌ترین اضافه کنند.

۱. بنابراین حقوق بین‌الملل عبارت از مجموعه اصول و هنجارهای الزام‌آور حقوقی است که دولت‌ها و تابعان دیگر حقوق بین‌الملل در روابط میان خویش، به رعایت آن متعهد شده‌اند. این اصول و قواعد ناشی از رشد مناسبات بین‌المللی است و به‌نوبت خویش روابط بین‌المللی میان دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و تابعان دیگر حقوق بین‌الملل را در زمینه‌های مختلف تنظیم نموده و سامان می‌بخشد و در بعضی موارد نیز حقوق و وظایفی در رابطه با افراد مقرر می‌دارد. لذا هدف اساسی حقوق بین‌الملل، تأمین صلح و امنیت بین‌المللی بر پایه همکاری میان کشورها است.

۴. حقوق بین‌الملل نیازمند یک مرجع مقتدر است. این مهم را می‌توان مستقیماً از کشورهای حاکم، توافق میان کشورها یا از طریق مجامع بین‌المللی مورد توافق کشورهای مستقل (مثل سازمان ملل یا دیوان عدالت اروپایی) به دست آورد.^۱

۵. حقوق بین‌الملل و روابط دولتها

روابط دولتها در حوزه روابط بین‌الملل همانند یک طیف است که بین دو گونه زیر در جریان است:

۱. **دوستانه:** امروزه اصل روابط دوستانه و استثناء روابط دوری‌گزینی و خصمانه است.

۲. **خصمانه:** در گذشته اصل روابط بر بیگانگی، دوری، انزوا و خصمانه بوده و استثناء روابط دوستانه بوده است.^۲ (جنگ بارزترین نوع روابط خصمانه است.)

همان‌طور که قبلاً اشاره شد دیپلماسی روش حل‌وفصل مسائل مربوط به روابط خارجی با دول دیگر، به‌وسیله مذاکره یا هر طریق مسالمت‌آمیز دیگر است؛ و این تعریف هم تدوین و هم اجرای آن را دربر می‌گیرد؛ بنابراین روابط دیپلماتیک، وسیله اجرای سیاست خارجی است و دیپلماتیک صفت خاص روابط خارجی دولت است. عامل اجرایی این سیاست را دیپلمات و نحوه اداره آن را دیپلماسی می‌گویند. روابط بین واحدهای سیاسی از پدیده‌های عصر حاضر نیست، بلکه تاریخ نشان می‌دهد که ملت‌ها و دولتها با یکدیگر در ارتباط بوده و زمان جنگ و صلح اصول و مقرراتی را حتی در قالب مقررات اخلاقی مراعات می‌کرده‌اند. در جوامع، اعزام و پذیرش نمایندگان میان اقوام و ملل مختلف وجود داشته است. وظایف فرستادگان هم تشریح تعیین می‌شد و بر اساس آن افراد حائز شرایط به‌عنوان نماینده انتخاب می‌شدند و اعزام می‌گردیدند. دهه‌های اول قرن بیستم، تحولات عمده‌ای را در روابط دولتها به همراه داشت. این تحولات که ناشی از دگرگونی در زمینه‌هایی چون نظام بین‌الملل، فناوری و افکار عمومی بودند، به صورت‌هایی همچون دیپلماسی آشکار و دیپلماسی سازمان‌های بین‌المللی نمود یافتند. دو دولت زمانی می‌توانند با هم روابط دیپلماتیک برقرار کنند که با هم در آن توافق کرده باشند. توافق یعنی

۱. برادن، کنلین و فرد شلی، ۱۳۸۳، ژئوپلیتیک فراگیر، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.
۲. برگرفته از سنجش اول، ص ۲.

رضایت دو طرف. یکی از ارکان حقوقی، رابطه صحیح و سالم بین دو شخص است. خواه شخص حقیقی، یعنی افراد مردم باشند و خواه شخصیت حقوقی؛ مانند دولت یا شرکت و امثال آن. آنچه مهم است و باید توجه شود، این است که روابط فقط بین دولت‌هایی برقرار می‌شود که شرایط حقوقی لازم را داشته باشند و در مورد روابط دیپلماتیک، این شرایط محدود به شناخت رسمی هر دولت و توافق بین آنها و احراز وجود رابطه با اعزام نماینده از طرفی نزد طرف دیگر یا متقابلاً از سوی هر دولت است. در برقراری روابط دیپلماتیک سه شرط لازم است:

۱. تعامل و تبادل دیپلماتیک بین (دولت‌ها) برقرار می‌شود.
 ۲. دولت‌ها باید قبلاً یکدیگر را به رسمیت شناخته باشند.
 ۳. دولت‌ها در برقراری رابطه توافق کرده باشند.
- همچنین در روابط بین‌الملل، اصولی وجود دارد که هرگاه از طرف دول و جوامع بین‌المللی رعایت و اجرا شوند، صلح، امنیت و آسایش جهان برقرار می‌شود. برخی از این اصول عبارت‌اند از:
۱. احترام به اصل تساوی حقوق و خودمختاری ملل
 ۲. احترام متقابل و رعایت نزاکت بین‌المللی دولت‌ها
 ۳. احترام به استقلال سیاسی دولت‌ها و حاکمیت ارضی کشورها
 ۴. عدم دخالت دولت‌ها در امور داخلی همدیگر
 ۵. توسعه همکاری دوستانه بین‌المللی دولت‌ها به‌منظور حل مشکلات
 ۶. همکاری دوستانه دولت‌ها با سازمان ملل متحد و سازمان‌های بین‌المللی وابسته به آن
 ۷. احترام به ادیان، مذاهب، عقاید بشردوستانه و آزادی‌های اساسی و طبیعی افراد بشر^۱
- ضمناً موارد زیر قواعد روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهند:
۱. قراردادهای و عهدنامه‌های دوران باستان (قبل از میلاد)
 ۲. عهدنامه و پیمان‌های قرون وسطی
 ۳. قراردادهای بعد از قرون وسطی
 ۴. میثاق جامعه ملل^۲

۱. امیری، حشمت (۱۳۶۹) کلیات روابط بین‌الملل، تهران، انتشارات هاد، ص ۱۴ و ۱۵.

۲. پس از جنگ جهانی اول به‌منظور جلوگیری از وقوع جنگ‌های بعدی و تضمین برای صلح جهانی، لزوم ایجاد جامعه بین‌المللی احساس شد. لذا برقراری یک سازمان بین‌المللی بر اساس میثاق بین‌المللی توصیه گردید. میثاق جامعه ملل که ←

۵. منشور ملل متحد^۱ و اساسنامه دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه
۶. حقوق بشر و کنوانسیون‌های بین‌المللی مربوط به سازمان ملل متحد و ملل جهان
۷. معاهدات و پروتکل‌های دوجانبه و چندجانبه بین‌المللی
۸. حقوق دیپلماسی و روابط خارجی
۹. سایر قراردادهای و کنوانسیون‌هایی که مورد قبول سازمان ملل و سازمان‌ها و تشکیلات عظیم بین‌المللی هستند.^۲
- تحقیقات تاریخی در مطالعات حقوق بین‌الملل عمدتاً به‌مرور یا وقایع‌نگاری تاریخی رویدادهای حقوق بین‌الملل محدود شده است. این روند به پنج مرحله قابل تقسیم است که گونه‌شناسی تاریخی حقوق بین‌الملل و چگونگی تحول آن در قالب یک فرآیند قابل‌ارائه است:
- اولین مرحله حقوق بین‌الملل که به مرحله سنتی موسوم است و سابقه آن به طول چندین قرن ادامه یافته و عموماً دوجانبه بوده است که رنگ و بوی آن دولت‌محور است.
- دومین مرحله حقوق بین‌الملل از معاهده وستفالی ۱۶۴۸ م. که به تشکیل دولت-ملت منجر شد، بازمی‌گردد و ماحصل آن به نظام حقوقی کنفرانسی یا دیپلماسی کنفرانسی که نمود آن صلح مسلح است که رنگ و بوی آن هم چنان دولت‌محور با تکیه بر توازن قوا بوده و با شروع جنگ جهانی اول ۱۹۱۴ م. خاتمه یافت.
- سومین مرحله حقوق بین‌الملل که آغاز دیپلماسی سازمانی است و با پایان جنگ جهانی اول و در قالب تأسیس جامعه ملل^۳ خودنمایی می‌کند، اما رنگ و بوی آن بیشتر دولت‌محور است.

→ قسمت اول قرارداد ورسای و سایر معاهدات صلح سال‌های ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰ م. را تشکیل می‌داد، در ۱۰ ژانویه ۱۹۲۰ م. قدرت اجرایی یافت. علی‌بابایی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵.

۱. منشور ملل متحد (Charter of the United Nations) به اسنادی گفته می‌شود که در حکم قانون اساسی سازمان ملل متحد به شمار می‌رود. این منشور در تاریخ ۲۶ ژوئن ۱۹۴۵ م. در سانفرانسیسکو-آمریکا به امضاء رسید و نمایندگان ۵۱ دولت ← آن‌ها را تصویب کردند. مفاد منشور مزبور از تاریخ ۲۴ اکتبر ۱۹۴۵ م. لازم‌الاجرا گردید و از همین روی ۲۴ اکتبر هر سال (دوم آبان ماه) به‌عنوان روز ملل متحد در کشورهای مختلف دنیا جشن گرفته می‌شود. منشور مشتمل بر یک مقدمه و ۱۱۱ ماده است و برای تشکیل ۶ ارگان سازمان ملل متحد مورد نیاز بوده است. (علی‌بابایی، ۱۳۹۲، ص ۳۵۶) منشور ملل متحد، زیما و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۱۱، ۲۱ و ۲۲، ۵۷ تا ۷۷.

۲. برگرفته از همان، ص ۱۸ و ۱۹.

۳. جامعه ملل (League of Nations) پس از جنگ جهانی اول به‌منظور جلوگیری از وقوع جنگ‌های بعدی و تضمین برای صلح جهانی؛ لزوم ایجاد یک جامعه بین‌المللی احساس می‌شد. ویلسون رئیس‌جمهور سابق آمریکا

چهارمین مرحله حقوق بین‌الملل که در اثر وارد شدن رنج بسیار به جامعه بشری در اثر وقوع جنگ جهانی دوم با تشکیل سازمان ملل متحد^۱ آغاز شد و تلاش داشت نشان دهد که دولت، حقوق بشرمحور است که در سه گام اعلامیه حقوق بشر و میثاقین تجلی می‌یافت.

پنجمین مرحله حقوق بین‌الملل با ظهور مبحث جهانی‌شدن از سویی و فضای مجازی از سوی دیگر که نتیجه هر دو مبحث غیرسرزمینی شدن تابعان حقوق بین‌الملل و به وجود آمدن تابعان مجازی حقوق بین‌الملل، آغاز شده است.

البته تا پیش از این حقوقدانان با تابعان واقعی در چهار قالب دولت، مردم، شرکت‌های چندملیتی و سازمان‌های بین‌المللی روبه‌رو بودند.^۲ اما با ظهور جهانی‌شدن و فضای مجازی حقوقدانان با پدیده تابعان بدون مرز یا غیرسرزمینی و تابعان مجازی روبه‌رو شده‌اند که به علت ظهور پدیده و مفهوم جدید، روابط و حقوق ناظر بر آنان نه تنها متفاوت بلکه نیازمند تحول است. برخی نیز این ۵ مرحله را به نحو زیر بیان می‌کنند:

- الف) مرحله اول آغاز پیدایش و تکامل حقوق بین‌الملل در دگرگونی‌های قرون ۱۶ و ۱۷ م. اروپا
 ب) مرحله دوم با معاهده وستفالی در سال ۱۶۴۸ م. شروع می‌شود.
 پ) مرحله سوم از کنگره وین در سال ۱۸۱۵ م. تا جنگ جهانی اول
 ت) مرحله چهارم از جنگ جهانی اول در سال ۱۹۱۴ م. تا جنگ جهانی دوم

طی نطقی در ۱۸ ژانویه ۱۹۱۸ م؛ که در کنگره آمریکا ایراد کرد «برقراری یک سازمان بین‌المللی را بر اساس میثاق بین‌المللی» توصیه نمود. تاریخ جامعه ملل را می‌توان به سه دوره متوالی تقسیم کرد:

- الف. دوره اول بین سال‌های ۱۹۲۰ تا ۱۹۲۷ م. بود که آن را دوره ترقی و موفقیت جامعه ملل نامیده‌اند.
 ب. دوره دوم فاصله بین سال‌های ۱۹۲۷ تا ۱۹۳۲ م. که آن را سال‌های عدم اطمینان می‌دانند.
 پ. دوره سوم که بین سال‌های ۱۹۳۲ تا ۱۹۳۹ م. که سال‌های شکست جامعه ملل به شمار می‌رود. علی‌بابایی، ۱۳۹۲، ص ۱۳۵ و ۱۳۶- زیما و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۷۵ و ۷۶.
۱. سازمان ملل متحد (The United Nations) این سازمان پس از جنگ جهانی دوم برای جلوگیری از بروز جنگ و ترویج صلح به وجود آمد. مقدماتی که منجر به تشکیل سازمان ملل متحد گردید، عبارت بودند از منشور آتلانتیک، اعلامیه سازمان ملل متحد (۱۹۴۲ م.)، اعلامیه امنیت عمومی (اکتبر ۱۹۴۳ م.) میان سه کشور آمریکا، شوروی (سابق) و انگلیس، کنفرانس تهران (۱۹۴۳ م.)، کنفرانس دومبارتن اوکس (۱۹۴۴ م.)، کنفرانس یالتا (۱۹۴۵ م.) و کنفرانس سانفرانسیسکو (۱۹۴۵ م.) ... علی‌بابایی، ۱۳۹۲، ص ۲۴۰ و ۲۴۱- زیما و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۶۰ تا ۷۷.
۲. حقوق بین‌الملل تنظیم‌کننده مناسبات میان اعضای جامعه بین‌الملل است و در ادامه برای این قواعد دو ویژگی ذکر می‌شود:
 الف. این قواعد بر حقوق داخلی و ملی کشورها تقدم و اولویت دارد.
 ب. کشورها و سازمان‌های بین‌المللی در روابط خود ملزم به رعایت این قواعد هستند. ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۴، ص ۲۶.

ث) مرحله پنجم از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹ م. تاکنون^۱ چند عامل محرک و بنیادین را می‌توان پشت جا افتادن و تغییر شکل فعالیت‌های حقوق بین‌الملل در قرن ۲۰ م. شناسایی نمود که لزوماً متضمن این نیستند که هیچ عامل یا شرایط دیگری مناسب نبوده است. با این حال حداقل ۵ عامل وجود دارد که در کل این دوره جریان می‌یابند و تجربیات مختلف ملی را پوشش می‌دهند:

الف) توسعه در تقاضا برای حقوق بین‌الملل چه به صورت واقعی یا درک شده، تهدیدات تصویری می‌توانند درست همانند تصورات واقعی بر فعالیت‌های حقوق بین‌الملل تأثیر بگذارند.

ب) تأثیر دوگانه تغییر فناوری که هم بر اهداف حقوق بین‌الملل و هم بر پتانسیل جمع‌آوری، برقراری ارتباط و پردازش مواد اولیه حقوق بین‌الملل تأثیر می‌گذارد.

پ) ارزیابی جوامعی که در آنها فعالیت‌های حقوق بین‌الملل انجام می‌شود یا بخشی از آن است.

ت) ثبات و بقاءپذیری نهادها و شبکه‌های حقوق بین‌الملل

ث) طبیعت غالب مسائل و روش‌های مشخص در به اجرا درآمدن فعالیت‌های حقوق بین‌الملل علم به عنوان عنصری حساس در این فرآیند تغییر شکل به چند شیوه مرتبط برجسته است. هرگونه تلاش برای درک روند حقوق بین‌الملل قرن بیستم میلادی و تحولات بعدی باید این اثر چندگانه فناوری را لحاظ نماید:

اول از همه تغییر فناوری، جنبه مهمی از تغییر شکل محیط بوده و نیاز به فعالیت‌های حقوق بین‌الملل را ایجاد نموده است.

دوم تغییرات علم و فناوری به ماده حقوق بین‌الملل مربوط می‌شود. توسعه علم و فناوری و الگوهای حقوق بین‌الملل تنها عامل علمی و اجتماعی بوده است که اثر مستقیم آن بر اجرا و پتانسیل فعالیت‌های حقوق بین‌الملل است. فرآیندی که در واقع پیش از قرن ۲۰ م. آغاز شد ولی با بسط تصاعدی ارتباطات شتابی مضاعف یافت. در صورتی که می‌توانستیم تحولات در فناوری ارتباطات را پیش‌بینی نماییم، این امر به احتمال فراوان می‌توانست یک ایده کلی درباره تغییر شکل حقوق بین‌الملل در آینده و پتانسیلی برای تعداد وسیعی از فعالیت‌های انسان در اختیار قرار دهد تا جایی که از نظر سیاسی، حقوقی و حتی اخلاقی قابل قبول یا حداقل قابل درک خواهد شد.

۱. ملک‌محمدی نوری، حمیدرضا (۱۳۸۰) درآمدی بر حقوق بین‌الملل، تهران، انتشارات شیرازه، ص ۴۴.

سوم تغییرات علم و فناوری، استفاده از فناوری برای وجوه مثبت و منفی حقوق بین‌الملل را نشان می‌دهد. به‌کارگیری فناوری برای اهداف حقوق بین‌الملل تنها به امور حقوقی محدود نمی‌شود، بلکه پردازش، ذخیره‌سازی، تحلیل و انتشار امور حقوقی و به‌طور خلاصه مبنای فناوری برای رشته حقوق بین‌الملل را نیز دربر می‌گرفت. بعید به نظر می‌رسد که انگیزه قوی اثرات متعدد علم و فناوری بر نوع فعالیت‌های حقوق بین‌الملل متوقف‌شده یا حتی کند شود، مگر آن‌که بخواهیم آینده‌ای محتمل را فرض کنیم که تلاش‌ها در زمینه تحقیق و توسعه کاهش یافته و تردید فزاینده و گسترده در قبال علم و فناوری‌های جدید یا تحولات اجتماعی و سیاسی باشد که به‌طور جدی بر همکاری علمی از سویی و تحقیق و توسعه از سوی دیگر در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارند.

۶. عوامل ایجاد تحول در قواعد حقوق بین‌الملل

مطالعه و بررسی متون اسناد و معاهدات بین‌المللی و قوانین اساسی و حتی آرای صادره توسط دادگاه‌های داخلی، منطقه‌ای، بین‌المللی، گزارش‌ها و پیشنهادهای متعدد، اعلامیه‌ها، توصیه‌نامه‌های نهادهای تقنینی، مشورتی و ... این‌گونه قابل‌برداشت است که (حقوق) دیپلماسی علم دیرزمانی است بر دو اصل بنیادی آزادی ارتباطات از یکسو و حق بر اطلاعات از سوی دیگر بنا شده است.^۱ درحالی‌که اصول دیگری که منشعب از دو اصل یاد شده هستند را می‌توان به‌عنوان اصول واسط و برگشت‌ناپذیر تلقی کرد و این مجموعه قواعد و اصول حکایت از نقش تأثیرگذار دیپلماسی علم در تحقق حقوق آحاد مردم در سطح جهانی و دولت‌های قانونمند دارند. چنانکه در سایه فناوری ارتباطات و اطلاعات و حتی فضای مجازی متأثر از پدیده دیجیتال به مبحث حق برخورداری از موجودیت دیجیتال^۲، حق تعیین سرنوشت دیجیتال یا حق تعیین

۱. اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب فرانسه مصوب سال ۱۷۸۹ م. که جزئی از پیشگفتار قانون اساسی کنونی کشور فرانسه مصوب سال ۱۹۵۸ م. به شمار می‌رود، همچنین قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ م. و قانون ۳۰ سپتامبر ۱۹۸۶ م. به ترتیب به آزادی ارتباطات اختصاص یافته‌اند. برگرفته از معتمدنژاد، ۱۳۹۵، ص ۳۳.

۲. این حق دارای عناصر گوناگون است از جمله حق برخورداری از دامنه حضور در فضای مجازی، حق ارائه خدمت متصل در فضای مجازی، حق استفاده از ابزار تبلیغات، انعقاد قرارداد و ...، برگرفته از معتمدنژاد، ۱۳۹۵، ص ۶۷.

سرنوشت اطلاعاتی^۱، حق بر فراموشی^۲، «بی‌طرفی اینترنت»^۳ و ... برمی‌خوریم که از مباحث حقوق موضوعه به شمار می‌روند؛ زیرا فضای مجازی علیرغم نوین بودن، فضایی فارغ از وظیفه و مسئولیت نیست. تحولات ناشی از فناوری‌های نوین بر حقوق فعالیت‌های چندگانه و چندبعدی (نظیر فعالیت‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و ...) فرد، جامعه، شرکت‌ها و دولت در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تأثیر عمیقی گذاشته است.

از ویژگی‌های بارز جهانی شدن؛ سرزمین‌زدایی^۴، دولت‌زدایی^۵ و فضا‌زدایی^۶ (محیط‌زدایی) فعالیت‌های فرهنگی- اجتماعی است. در فضای جهانی شدن با افزایش هنجارها به صورت قواعد الزام‌آور و مبانی حقوقی مواجه هستیم. البته دغدغه حقوق جهانی ایجاد صلح و فضای مسالمت‌آمیز میان دولت‌ها یا کاستن از نابرابری‌ها در میان آنها نیست، بلکه توجهش بیشتر معطوف به حمایت از افراد، منافع شرکت‌ها، سازمان‌های غیردولتی، تقسیمات کشوری و ... است.^۷ همچنین علائمی از جهانی شدن^۸ حقوق سنتی را شاهد بوده‌ایم. از ویژگی‌های حقوق

۱. نخستین بار دیوان قانون اساسی آلمان چنین حقی (حق تعیین سرنوشت اطلاعاتی) را به رسمیت شناخت و طی رأی صادره در ۱۵ دسامبر ۱۹۸۳ م. با استناد به اصول ۱ و ۲ قانون اساسی مصوب سال ۱۹۴۹ م. به ترتیب در مورد کرامت انسانی و حق برخورداری از رشد شخصیتی، این چنین اظهار نظر کرد: «قاعدتاً قانون اساسی این توان را برای فرد می‌شناسد که بتواند برای انتقال داده‌های شخصی‌اش و استفاده از آنها تصمیم‌گیری کند.» معتمدنژاد، ۱۳۹۵، ص ۶۳ و ۶۴.

۲. دادگاه اتحادیه اروپا طی رأی ۱۳ می ۲۰۱۴ م. «حق بر فراموشی» را با عنوان «حق بر فرانس‌زدایی» برای افراد به رسمیت شناخت. معتمدنژاد، ۱۳۹۵، ص ۶۵.

۳. مفهوم «بی‌طرفی اینترنت» نخستین بار در سال ۲۰۰۳ م. توسط حقوقدان آمریکایی «تیم وو» مطرح شد و هم‌اکنون از اصول پایه فضای مجازی محسوب می‌شود. معتمدنژاد، ۱۳۹۵، ص ۶۵.

4. Deterritorialisation

5. Desetatisation

6. Despatialisation

۷. برگرفته از معتمدنژاد، ص ۷۲ تا ۷۵.

۸. جهانی شدن (Globalization) پدیده نسبتاً جدید نبوده و قدیمی است که به فراخور تحولات در طول زمان دچار شدت و ضعف شده است. جهانی شدن پس از جنگ جهانی دوم حرکتی رو به رشد داشته که ابعاد آن روزبه‌روز بیشتر می‌شود. جهانی شدن قبل از هر چیز شاید به معنای باز شدن فضاها، اقتصادی و رشد تبادلات تجاری بوده و سپس ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی یافته است. جهانی شدن قطعاً بر حاکمیت دولت‌ها تأثیر گذاشته و ابعاد تعاملی آن موجب ظهور پدیده جامعه بین‌المللی شده است. جلوه بارز جهانی شدن در اقتصاد جهانی بروز یافته که در شکل ایجاد بازار مشترک، تعدد شرکت‌های فراملیتی و شکل‌گیری سازوکار تنظیم جریان اقتصاد و ... که اقتصاد کشورها را به یکدیگر گره زده و موجبات به‌کارگیری قواعد تعامل جدید را فراهم می‌آورد که نظمی فراملی و حتی فرامنطقه‌ای به شمار می‌آید که محدوده عمل دولت‌ها را نیز تحت تأثیر قرار داده است. این نظم چون ابتدا در اروپا و سپس دنیای غرب ایجاد شده متأثر از ارزش‌ها و فرهنگ دنیای غرب است. جهانی شدن ظهور بازیگران جدید را سبب شده و از انحصار دولت‌ها بر روابط بین‌الملل کاسته است. از جمله این بازیگران ←

سنتی؛ دولتی بودن، ملی بودن، سرزمینی بودن و مبتنی بر اصل سلسله‌مراتب بودن آن است؛ اما عنوان حقوق دیپلماسی علم با توجه به سطح، گستره و عمق آن مصداقی از حقوق جهانی^۱ محسوب می‌شود که در اثر فناوری ارتباطات و اطلاعات شدت یافته است.

شاید بتوان عوامل متعددی در ایجاد تحول قواعد حقوقی برشمرد اما برخی عوامل همچون موارد زیر نقش کلیدی در ایجاد تحول در قواعد حقوق بین‌الملل دارند:

الف) عامل تاریخی: تاریخ تحول حقوق بین‌الملل نشان می‌دهد، این شاخه از حقوق در قرن ۱۷ م. با پیدایش دول مستقل که تازه از قید تسلط کلیسا (پاپ) و امپراتور رهایی یافته بودند، به وجود آمد و در آغاز تشکیل تحت تأثیر قواعد حقوقی موجود قرار گرفت. (حقوق داخلی ممالک اروپایی و حقوق روم)

ب) عامل جغرافیایی: بسیاری از عقاید جغرافی‌دانان مشهور تأثیر زیادی در ایجاد و تکامل بعضی از قواعد حقوقی بین‌الملل داشته است. چنانکه در حقوق بین‌الملل دریایی اختلاف اوضاع جغرافیایی ممالک مختلف موجب تغییر حد آب‌های ساحلی شده است.^۲

پ) عامل سیاسی: حقوق بین‌الملل تحت تأثیر شدید حوادث سیاسی است که در نتیجه این تأثیر عدم رعایت قواعد حقوق بین‌الملل از طرف بعضی از دول جهان و انحراف از اصول حقوقی به علت ملاحظات سیاسی است.

→ شرکت‌ها و سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی است که عهده‌دار تبادلات اقتصادی و سپس فرهنگی هستند. لازم به ذکر است که بیشتر از خود جهانی شدن تضادهایی که می‌آفریند مشکل‌ساز هستند. حال سؤال این است که چطور می‌توان این تضادها را کاهش داد و جهانی شدن را تا حد ممکن انسانی کرد. (برگرفته از معتمدنژاد، ۱۳۹۵، ص ۷۲ و ۷۳)

1. Law Global

۲. موقعیت هر کشور تحت عنوان «ظرفیت طبیعی» (Natural Capacity) بر روی نقشه جغرافیای سیاسی جهان، بهره‌وری کشور از منابع طبیعی و کلیه عواملی که جزء سرمایه‌های اولیه کشور به حساب می‌آیند، در مجموع توانایی ثابت و ایستای کشور را در نیل به استقلال شکل می‌دهند. در این باره به موقعیت جزیره‌ای انگلیس در جریان دو جنگ جهانی اشاره کرد که منجر شد تا این کشور کمترین آسیب ممکن را ببیند یا بالعکس می‌توان از موقعیت حساس ایران در منطقه به‌واسطه هم‌جواری با آب‌های آزاد نام برد که همیشه کشور ایران را برای همسایه شمالی‌اش یعنی روسیه مهم جلوه داده است. حتی در جریان جنگ جهانی دوم نیز به همین دلیل و به‌اجبار، بی‌طرفی ایران نقض شد و ایران ناخواسته وارد جرگه متفقین گردید. با توجه به تاریخ سیاسی جهان، حتی جغرافیا و موقعیت کشورها در حال تحول بوده که البته این تحولات در قیاس با دیگر ظرفیت‌ها بسیار کمتر است. هر چند که منتسکیو از نوع حکومت‌ها با توجه به شرایط اقلیمی اشاره می‌کند و بر این اساس دیکتاتوری، دموکراسی و ... همه محصول شرایط طبیعی هر جامعه قلمداد می‌شود. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۱۳۸۳، ص ۳۱.

ت. عامل علم: امروزه ترقیات حیرت‌انگیزی که درزمینه علم و صنعت نصیب بشر شده، بر حقوق بین‌الملل تأثیر زیادی گذاشته است^۱ مانند اختراع هواپیما و موشک، کشف انرژی اتمی و انرژی‌های نوپدید و ...^۲

در توضیح عامل علم که منجر به پیشرفت‌های چشم‌گیر در عرصه زندگی انسان شده است^۳ باید به ۶ موج تحول علم اشاره کرد:

موج اول ناشی از اختراع و ساخت کشتی بود.

موج دوم با تأسیس راه‌آهن ایجاد گردید.

موج سوم با صنعت اتومبیل‌سازی آغاز شد.

موج چهارم با تولید و ساخت هواپیما و سپس تولید سخت‌افزار و نرم‌افزار الکترونیکی همراه بود.

موج پنجم موج فناوری اطلاعات و در ادامه فناوری اطلاعات و ارتباطات بوده است.^۴

موج ششم فناوری فضای مجازی (سایبری) متأثر از گسترش اینترنت (فرامرزی و فراسرزمینی بودن)

۷. تضادها و رقابت‌ها در دیپلماسی علم

نقش علم در تحقق اهداف توسعه پایدار (و به‌طور مشخص رونق و رفاه اقتصادی) بیش‌ازپیش ضرورت ایجاد نظم، قواعد و قانونمندی منطبق با شرایط رو به آینده را محرز ساخته و بازخوانی

۱. علم برای تسهیل زندگی انسان به یاری ذهن آفریننده دانشمندان پدید آمد و گمان می‌رفت که مرهمی بر غم گذشته و داروی دردهای حال و آینده جامعه بشری باشد، هرچند سلطه علم بر انسان قدری بعید می‌نماید، لیکن بیانگر واقعیتی است که انسان معاصر نسبت به این دستاوردش احساس اطمینان لازم را ندارد.

۲. برگرفته از ریلابی، هارولد س. (۱۳۷۸) کتمان علم؛ بحثی در امنیت ملی و جریان آزاد اطلاعات، ترجمه سعید بهنام، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، بهار، ص ۱۲۵ و برگرفته از جهانبازی، امیر (بی‌تا) کلیات حقوق بین‌الملل، ویلاگ (اینترنت)

۳. آلون تافلر تمدن بشری را به سه مرحله کشاورزی، صنعتی و فراصنعتی (عصر ارتباطات و اطلاعات) تقسیم می‌کند و اظهار می‌دارد که در عصر صنعتی قدرت در دست کسانی است که شبکه‌های ارتباطی و اطلاعاتی را در اختیار دارند. همچنین مک‌لوهان اندیشمند کانادایی تاریخ بشر را به سه دوره تقسیم می‌کند:

الف. عصر فرهنگ شفاهی

ب. عصر تمدن چاپی

پ. عصر تمدن الکترونیک: در عصر الکترونیک، قدرت در دست صاحبان شبکه‌های تلویزیونی، رایانه‌ای و ماهواره‌ای است. مهرداد، ۱۳۸۰، ص ۱۵۸-۱۵۹.

۴. کلهر، رضا، ۱۳۷۸، پیامدهای امنیتی جریان آزاد اطلاعات، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، ص ۱۱.

چهارچوب‌های حقوقی سابق^۱ را به امری ضروری تبدیل کرده است و نیاز به چهارچوب‌های حقوقی نوین را پیش‌فرض جامعه بین‌المللی می‌بیند. محیط بین‌المللی جدید متأثر از انقلاب اطلاعات و فضای مجازی محل ظهور رقابت‌ها و تضادها شده است که نه تنها موجب ارتقای مباحث حقوق بین‌الملل (از جمله حقوق بشر) نشده، بلکه موارد نقض آن را افزایش داده است. بخشی از ادعای اصلی این نوشتار این است که انفجار نه انقلاب اطلاعات ضرورت بازخوانی و بازآفرینی قواعد حقوقی را به امری ضروری و حتمی تبدیل کرده است. حتی فضای مجازی مسائل جدید و چالش‌برانگیزی برای کلیه امور از جمله علم حقوق به وجود آورده است، زیرا ویژگی فرامرزی و فراسرزمینی بودن جامعه اطلاعاتی و فضای مجازی به تحقیق یک ابرچالش در پیش روی حقوقدانان ایجاد کرده است.

در فضای مجازی مسائل نوظهور، متنوع و حتی بی‌سابقه رخ نموده است که دسته‌بندی‌های حقوقی موجود توان حرکت و همراهی با آنها را ندارند. با توجه به پیچیدگی، گستردگی و تنوع مواد حقوقی در این فضای بدون مرز (فضای مجازی) که شائبه کنترل نهادهای خصوصی بر این منابع حیاتی^۲ را در پیش روی قرار داده، نمی‌توان صرفاً به چهارچوب «حقوق سرزمینی» سابق تکیه کرد. حقوق دیپلماسی علم از جنس حقوق ترکیبی^۳ یا به اصطلاح حقوق جهانی است. ترکیبی بودن حقوق دیپلماسی علم نه تنها از لحاظ تعداد مکان‌ها یا فضاهایی است که در تعیین و تبیین چهارچوب‌ها نقش و مشارکت دارند، بلکه از حیث گوناگونی و تنوع در آن قالب‌ها و چهارچوب‌ها است. حقوق دیپلماسی علم متشکل از مجموعه قواعد حقوقی^۴، شاکله حقوقی سخت و نرم^۵، قواعد انضباطی-اخلاقی، تنظیمات^۶ فردی، گروهی، سازمانی و حتی کشوری ... است که در این عرصه، آموزش مسئولیت‌ها و حقوق به کاربران امری الزامی است. این‌گونه است که یک بازیگر (دولت) به‌تنهایی از عهده این تنظیمات برنمی‌آید و در شکل دادن به حقوق

۱. از ویژگی‌های حقوق سنتی؛ دولتی بودن، ملی بودن، سرزمینی بودن و مبتنی بر اصل سلسله‌مراتب بودن آن است؛ اما عنوان حقوق دیپلماسی علم با توجه به سطح، گستره و عمق آن مصداقی از حقوق جهانی (Law Global) محسوب می‌شود که در اثر فناوری ارتباطات و اطلاعات از سویی و جامعه اطلاعاتی از سوی دیگر شدت یافته است.

2. Resources Critiques
3. Law Composite
4. Reglementation
5. Hard Law & Soft Law
6. Regulation

دیپلماسی علم بازیگران متعدد همچون دولت‌ها، سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی، بخش خصوصی، نهادهای علمی-فنی، دانشگاهیان، جامعه مدنی و حتی برخی کاربران (مطلع و متعهد) می‌توانند ایفای نقش کنند.

تغییرات و تحولات مذکور مفهوم جدید حاکمیت دیجیتالی^۱ و مسئولیت مشترک را ایجاد کرده که در میان دست‌اندرکاران این عرصه، نقش و وظیفه ایجابی (وظیفه مثبت)^۲ دولت‌ها را در فراهم آوردن شرایط ساختارهای نوین، سیاست‌گذاری و تعیین قواعد، حمایت از حقوق شهروندان و ارتقای آن، مبارزه با جرائم و ... بسیار حائز اهمیت ساخته است. درحالی‌که در دوران جهانی‌شدن صحبت از کاستن نفوذ و قدرت دولت‌ها به میان می‌آید. این‌گونه است که با محور قرار دادن قواعد حقوقی سعی بر این است که در وهله نخست از طریق ابزار حقوقی؛ و در مرحله بعد ابزار غیرحقوقی میان منافع و حقوق متعدد و گاه متضاد، در فضای نوین تعامل و توازن برقرار شود.^۳

۸. شاخص‌های توسعه علم

شاخص توسعه علم برای برنامه‌ریزی و تخصیص امکانات در امر مدیریت جامعه بین‌المللی از ضروری‌ترین موارد است. در یک شهر یا کشور سازمان‌های مجری، ناظر و پشتیبان زمانی می‌توانند روند پیشرفت و مراحل اجرایی رویکرد به علم در بستر جامعه اطلاعاتی را تحت نظارت عالیه قرار دهند که اطلاع دقیقی از شاخص‌های توسعه علم داشته باشند که به شرح زیر است:

اولاً. شاخص‌های عام

الف) درصد خانوار دارای برق

ب) درصد خانوار دارای گیرنده رادیو

پ) درصد خانوار دارای گیرنده تلویزیون

ت) درصد خانوار دارای تلفن (اعم از ثابت و همراه)

ث) درصد خانوار دارای رایانه

1. Souverainete Numerique (Sovereignty Digital)

2. Obligation Positive

۳. علیزاده مالک، سعید (۱۳۹۶) شرحی حقوقی بر دیپلماسی علم، مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی،

ج) درصد خانوار دارای دسترسی به اینترنت

چ) میزان سواد و تحصیلات در خانواده

ثانیاً. شاخص‌های کسب‌وکار

الف) درصد کسب‌وکار دارای رایانه

ب) درصد کسب‌وکار دارای دسترسی به اینترنت

پ) درصد کسب‌وکار دارای وبگاه اینترنت

ثالثاً. شاخص‌های آموزشی

الف) نسبت تعداد دانش‌آموز به تعداد رایانه

ب) درصد مدارس و مراکز آموزشی که به اینترنت دسترسی دارند. (به تفکیک سطوح

دبستان، دبیرستان و فنی حرفه‌ای)

رابعاً. شاخص‌های امور دولت

الف) درصد ادارات دولتی دسترسی به اینترنت

ب) درصد ادارات دولتی دارای وبگاه اینترنت

پ) درصد کارکنان دولتی دارای دسترسی به اینترنت

خامساً. شاخص‌های دسترسی دیجیتال (دی. ای. آی)^۱

الف) درصد نفوذ و گستره تلفن ثابت (اشتراک ثابت در هر صد نفر از جمعیت)

ب) درصد نفوذ و گستره تلفن همراه (اشتراک ثابت در هر صد نفر از جمعیت)

پ) هزینه دسترسی به اینترنت در ماه (به‌طور میانگین ۲۰ ساعت به نسبت درآمد)

ت) نسبت پهنای باند اینترنت ملی به کل جمعیت (بیت بر ثانیه)

ث) درصد نفوذ و گستره اشتراک باند پهن (اشتراک باند پهن در هر صد نفر از جمعیت)

ج) درصد نفوذ و گستره کاربران اینترنت^۲

1. Digital Access Index- DAI

۲. برگرفته از قاضی‌زاده فرد، سیدضیاء‌الدین، ۱۳۸۷، فناوری اطلاعات و ارتباطات و مبانی سیستم‌های اطلاعاتی، ج. ۲، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)، ص ۴۴ و ۴۵.

۹. ابعاد فعالیت در شهر مجازی (در سایه تبادل علم)

بسیاری از فعالیت‌ها که در شهر واقعی انجام می‌شوند، قابلیت اجرا در شهرهای الکترونیکی را به شیوه مطلوب‌تری دارند که به شرح زیر است:

۱. **فعالیت اداری:** شامل تعامل با نهادهای شهری و اداری دولتی و غیردولتی در تمام سطوح

از جمله اخذ مجوز و مستندات شهری و دولتی، استفاده از خدمات اداری و کالا، ارتباط با

مراجع آموزشی، اداری و خدماتی همچون گواهینامه، گذرنامه، دانشگاه و ...

۲. **فعالیت بانکی:** هرگونه پرداخت، دریافت یا انتقال پول و مدارک مالی در هر سطحی

۳. **فعالیت تجاری:** هرگونه خرید، فروش، ارائه خدمات، سفارش بلیت اتوبوس، قطار، هواپیما و

کشتی و ...

۴. **فعالیت آموزشی:** اطلاع از هرگونه دوره یا کلاس آموزشی در تمامی سطوح از دبستان تا

دانشگاه و ثبت‌نام، دسترسی به متون آموزشی و نهایتاً امتحان و کسب مدارک تحصیلی

۵. **فعالیت علمی:** ارتباط با کتابخانه یا مرکز تحقیقاتی و دسترسی به کتاب و مقاله و اطلاع از

آخرین دستاوردهای علمی محققان

۶. **فعالیت درمانی:** ارتباط با پزشک و اخذ مشاوره و دسترسی به شیوه درمان بدون جلسه

حضور در مطب پزشک

۷. **فعالیت گردشگری:** اطلاع از محیط‌های گردشگری در فصول مختلف و تعیین بلیت

رفت‌وآمد، مکان اقامت، سطح و میزان تسهیلات سفر و حتی نوع همراهان سفر

۸. **فعالیت تفریحی:** هرگونه بازدید موزه، مکان تاریخی، محیط تفریحی، مسابقه، بازی و ...

بدون جابجایی در مکان

۹. **فعالیت اطلاع‌رسانی:** ارتباط و دریافت هرگونه خبر از رسانه‌های مکتوب، شنیداری و

دیداری، ارتباط با افراد موردنظر برای تبادل اطلاعات، اطلاع از ساعت ورود و خروج وسایل

نقلیه زمینی، هوایی و دریایی برای تنظیم زمان و مکان حرکت خود یا کالای موردنیاز

۱۰. **فعالیت تصمیم‌گیری:** نه تنها انتخاب وسیله نقلیه یا مسیر بلکه مشارکت در هرگونه

تصمیم‌گیری با مسئولین ذی‌ربط که به‌نوعی به وضعیت فعلی یا آینده شخص برمی‌گردد.^۱

۱. برگرفته از همان، ص ۳۶ و ۳۷.

۱۱. **فعالیت حقوقی:** در فضای مجازی و در بستر و بطن شهر الکترونیک کلیه تابعان تحت قواعد و قوانین مشخص که گهگاه دوطرفه مشخص می‌شود به تعامل و تبادل ایده، علم، کالا، خدمات و ... می‌پردازند.

۱۰. روند تاریخی جهانی شدن حقوق دیپلماسی علم

دیپلماسی علم همانند موضوعات دیگر دارای سیر تاریخی تدوین است که برای قرار گرفتن در زمره حقوق جهانی، بیان مراحل زیر لازم است:

الف) در مرحله نخست اولین گام‌ها به ترتیب به قرن ۱۸ م. بازمی‌گردد، هنگامی که برخی کشورها پیش قدم شده و نخستین چهارچوب‌های حقوقی یا نیمه‌حقوقی را برای دیپلماسی علم تدارک می‌بینند که توجه به اصل آزادی اطلاعات در قوانین اساسی و سپس قوانین عادی پیش‌بینی می‌شود.^۱

ب) مرحله دوم از ابتدای قرن ۲۰ م. تا پایان جنگ جهانی دوم است. این مرحله شاهد پیشرفت شگفت‌انگیز فناوری و تأسیس جامعه ملل و آغاز نظام حقوقی بین‌المللی با شروع به کار جامعه ملل و توجه خاص جامعه ملل به نقش آزادی اطلاعات در حفظ صلح جهانی به‌ویژه در زمینه‌هایی همچون حفظ صلح و آرامش جهانی و ایجاد تفاهم و همکاری بین‌المللی قابل‌ملاحظه بوده است.

پ) مرحله سوم با تأسیس سازمان ملل متحد، تصویب منشور ملل متحد و انتشار اعلامیه جهانی حقوق بشر است که مناسبات و مبادلات گسترده جهانی در زمینه‌های گوناگون از جمله توجه خاص سازمان‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در رابطه با آزادی اطلاعات تا ظهور اینترنت (فضای مجازی)

ت) مرحله چهارم با آغاز عصر جامعه اطلاعاتی و پدیده همگرایی که طبیعتاً موضوع سرنوشت و جایگاه دیپلماسی علم در آینده را به دنبال آورده است. برای نمونه همگرایی

۱. ماده ۱۱ اعلامیه حقوق بشر و شهروند انقلاب فرانسه مصوب ۱۷۸۹ م. که به‌موجب آن «انتقال و انتشار آزادی افکار و عقاید، یکی از گرانبهاترین حقوق انسانی است ... مگر در مواردی که برای مقابله با سوءاستفاده از این آزادی، در قانون مشخص شده‌اند و قابل تعقیب هستند.» این اعلامیه در پیشگفتار قانون اساسی فرانسه مصوب ۱۹۵۸ م. نیز مورد اشاره قرار گرفته است.

عموم مراکز پژوهشی و دانشگاهی با یکدیگر برای انتشار و گسترش دیپلماسی علم در راستای حمایت از جامعه بشری در مقابل تهدیدهای فراسرزمینی، فرامرزی و بین‌المللی جامعه جهانی که با فضای مجازی نه‌تنها بعد جهانی یافته، بلکه هماهنگی‌ها و همکاری‌ها را افزایش داده است.^۱

حقوق دیپلماسی علم ترکیب‌شده از هنجارهای بین‌المللی، حقوق منطقه‌ای و حقوق داخلی است؛ اما از آنجا که حقوق الزام‌آور (حقوق سخت) در شرایط جدید پاسخگو نیست، حقوق نوین که انعطاف‌پذیرتر (حقوق نرم) و قابلیت تطبیق بیشتر با شرایط را دارد، نقش مهمی در نظم‌دهی (خودتنظیم‌گری)^۲ ایفا می‌کند. در تولید حقوق دیپلماسی علم نه‌تنها مقامات دولتی، بلکه بخش خصوصی هم نقش ایفا می‌کند. البته تنظیم‌گری^۳ توسط بخش خصوصی توأمأ در کنار تنظیم‌گری دولتی انجام می‌پذیرد.^۴

۱.۱ مفهوم دیپلماسی علم و قواعد حقوقی (اعتباری)

دیپلماسی علم به دنبال چیست؟ آیا در دیپلماسی علم دستیابی به حقیقت مدنظر است یا نوعی هدایت‌یابی؟

دیپلماسی علم استفاده از همکاری‌های علمی میان ملت‌ها برای رسیدگی به مشکلات مشترک و ایجاد مشارکت سازنده بین‌المللی است. با این وصف نیاز است که تعریفی از «دیپلماسی علم» بیان شود تا از طریق آن چارچوب مفهومی بحث مشخص شود. «دیپلماسی علم» ترکیبی از دو اصطلاح دیپلماسی و علم است. در تعریف «دیپلماسی علم» باید گفت: به تعاملات علم (علمی) میان یک کشور با دیگر بازیگران بین‌المللی که در خدمت پیشبرد سیاست خارجی آن کشور قرار گیرد یا روابط سیاسی میان یک کشور و دیگر بازیگران بین‌المللی که زمینه‌ساز تعاملات علم (علمی) گردد، «دیپلماسی علم» گویند.

۱. در مصوبات اجلاس دومرحله‌ای سران در مورد جامعه اطلاعاتی که زیر نظر سازمان ملل متحد در سال‌های ۲۰۰۳ و ۲۰۰۵ م. به ترتیب در ژنو و تونس برگزار شد، واژه‌هایی همچون هماهنگی (Coordination) و همکاری (Cooperation) چندین بار مورد استفاده قرار گرفته شده‌اند. برگرفته از معتمدنژاد، ۱۳۹۵، ص ۱۰۰.

2. Auto- Regulation
3. Regulation
4. Co- Regulation

دیپلماسی علم حوزه‌ای از دیپلماسی است که به برقراری، توسعه و پیگیری روابط با کشورهای خارجی از طریق تبادل و انتقال علم و آموزش آن (علم) مربوط است. دیپلماسی علم فرآیند مؤثری است که در آن دستاورد علم یک ملت به جهان بیرون عرضه می‌شود و خصوصیات منحصر به فرد علمی ملتها در سطوح دوجانبه و چندجانبه ترویج می‌یابند.

به نظر می‌رسد همانند مباحث علوم انسانی یافتن تعریف واحد از مفهومی بسیط یا ترکیبی در این موضوع نیز صدق می‌کند؛ بنابراین با توجه به اینکه نوشتار حاضر قصد وارد شدن به چنین مباحثی را ندارد، صرفاً با مفروض دانستن احتمال دیپلماسی علم به موضوع قواعد اعتباری به دیپلماسی علم پرداخته می‌شود؛ زیرا دیپلماسی علم از هر سنخی که باشد لاجرم در حوزه روابط انسانی قرار می‌گیرد؛ بنابراین قواعد حاکم بر این رابطه نیز همانند قواعد حاکم بر روابط انسانی است. قاعده‌مند بودن روابط انسانی صرف‌نظر از مبانی نظری و فلسفی آن یک واقعیت خارجی است.

حتی برخی این قانون‌مندی را به غیر روابط انسانی تسری داده‌اند و طبیعت را به‌طور کلی قانون‌مند دانسته‌اند.^۱ به‌هرحال چه قانون‌مندی در روابط انسانی را ناشی از وضع قواعد حاکم از طرف مرجعی بالاتر فرض نماییم یا خود افراد با اراده خویش موجد آن باشند، نشان از وجود عینی قواعد در حوزه روابط انسانی است. حال اگر رابطه بین دو واحد انسانی از موضع انتفاع و افزایش منافع باشد، وجود قواعد اعتباری دقیق قبل از هر امر دیگری ضروری است و بدون آن هر نوع رابطه‌ای یا منتفی است یا حالتی از ولایت را به خود خواهد گرفت و به‌طور تقریبی یک‌طرفه خواهد بود.^۲

ولی گاهی ممکن است بحث از رابطه و دیپلماسی علم بین دو واحد انسانی از موضع حقیقت‌یابی باشد. در این صورت نوع قواعد حاکم متفاوت خواهد بود، زیرا در آنجا قواعد حاکم، معیارهای علمی است نه اعتباری صرف، نوعی رهیافت معرفتی، اگرچه نمی‌توان در این رابطه نیز وجود قواعد اعتباری را نادیده گرفت، ولی به‌طور یقین این قواعد استثناء است. درعین حال این قواعد می‌تواند از دخالت منافع متعارض در حوزه دیپلماسی علم حقیقت‌طلبانه ممانعت کند و حداقلی از قواعد را برای رفتار احتمالی منفعت‌طلبانه واحدهای مؤثر ایجاد کند. نوع دیگری از دیپلماسی علم

۱. مونتسکیو، ۱۳۶۲، روح القوانين، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم، ص ۸۷.

۲. دولت‌رفتار حقیقی، محمدرضا، ۱۳۸۱، بایستگی‌های اعتباری گفت‌وگوی تمدن‌ها، فصلنامه سیاسی-اجتماعی گفتمان، شماره ۶، پاییز، ص ۵۴.

نیز ممکن است نوعی رابطه حقیقت‌یابانه و منفعت‌طلبانه باشد. این رابطه از آن جهت مورد توجه است که به طور اصولی دخالت منافع در دیپلماسی علم واحدهای انسانی را نمی‌توان انکار کرد. پس وجود قواعدی در جهت کاهش حوزه نفوذ این مقوله (منفعت‌خواهی) و به سامان رساندن منطقی و صحیح دیپلماسی علم ضروری است.^۱

با توجه به ضرورت وجود قواعد حقوقی در دیپلماسی علم، سؤال این است که چه قواعد اعتباری-حقوقی می‌تواند حاکم بر این رابطه باشد؟ یا این رابطه در حوزه کدام قواعد حقوقی می‌تواند قرار گیرد؟

۱۲. نوع قواعد حاکم بر دیپلماسی علم

برای تعیین نوع قواعد حاکم بر واحدهای انسانی مرتبط از چند زاویه می‌توان به آن نگاه کرد:

الف) باید دانست آیا واحدها از حیث درجه حق و تکلیف متفاوت‌اند یا در یک درجه قرار دارند؟^۲

ب) باید حوزه اعمال قواعد را نیز مدنظر قرار داد، یعنی مشخص کرد که واحد اعمال قواعد در محیط محلی، ملی یا بین‌المللی است.

از این منظر می‌توان قواعد حقوقی را که در حوزه سرزمینی-محلی اعمال می‌شوند، قواعدی داخلی دانست که قواعد حقوقی حاکم بر آن، همان حقوق داخلی است. همچنین قواعد حاکم بر محیط ملی که قواعد حاکم بر آن همانند، محیط محلی قواعد حقوق داخلی است. حال اگر محیط فراملیتی باشد قواعد حاکم بر آن نیز واجد ویژگی فوق است و فراملیتی خواهد بود، در اصطلاح حقوق به آن حقوق بین‌الملل اطلاق می‌شود. با این بیان برای تشخیص قواعد حقوقی-اعتباری حاکم ضروری است نوع رابطه را مشخص کرد:

۱. فقدان منشأ واحد قدرت: به دلیل عدم وجود یک قدرت فائده حاکم بر تمام دولت‌ها، وجود درجه‌های متفاوت در دولت‌ها منتفی است؛ زیرا تفاوت در میزان حقوق و تکالیف عموماً ناشی از یک قدرت متمرکز است.

۱. برگرفته از همان، ص ۵۵.

۲. ممکن است در یک رابطه دوطرفه یکی از واحدها دارای حقوق و امتیازهای ویژه‌ای باشد که طرف دیگر فاقد آن است مانند کشورهایی که شهروند با درجه‌های متفاوت دارند یا دو واحد متفاوت انسانی که یکی شهروند عادی است و دیگری از حاکمان.

۲. حالت فراملیتی دولت‌ها و دیپلماسی علم بین آنها: دولت‌ها به‌طور عموم غیرداخلی هستند، یعنی در داخل یک واحد جغرافیایی مشخص به نام دولت-کشور نیستند و از این‌رو رابطه بین آنها (دیپلماسی) در حوزه قواعد حقوقی فراملیتی قرار می‌گیرد.

با این توصیف‌ها می‌توان قواعد حاکم بر دیپلماسی علم را قواعد حقوقی-اعتباری حاکم بر روابط فراملیتی که همان حقوق بین‌الملل است، فرض کرد. به عبارت دیگر هر نوع قاعده حقوقی در حوزه دیپلماسی علم اصولاً در حوزه حقوق بین‌الملل قرار می‌گیرد. حال سؤال این است که دیپلماسی علم موضوع جدید حقوق بین‌الملل محسوب می‌شود یا خیر؟

موضوع‌های حقوق بین‌الملل را در مرحله اول کشورها تشکیل می‌دهند و بعد سازمان‌های بین‌المللی و احیاناً فرد می‌تواند موضوع حقوق بین‌الملل قرار گیرند؛ بنابراین حقوق بین‌الملل فقط می‌تواند بر سه واحد یادشده (دولت‌ها، سازمان‌ها و افراد) حاکمیت داشته باشد و دیپلماسی علم تا به حال به عنوان موضوع حقوق بین‌الملل شناخته نشده است.

از طرف دیگر واضح قواعد حقوقی در حوزه روابط بین‌الملل (حقوق بین‌الملل) نیز واحدهای مذکور هستند. از این منظر نیز کشورها تا به حال به عنوان واضعین قواعد اعتباری حقوق بین‌الملل حتی برای حاکمیت به دیپلماسی بین خود شناخته نشده‌اند. حال چگونه می‌توان واحدی که تا به حال به‌طور مستقل موضوع حقوق بین‌الملل نبوده و نقش مستقلی به عنوان واضع قواعد مربوطه نداشته است، قواعد حقوق بین‌الملل را جاری کرد؟

با این وصف مباحث زیر قابل طرح است:

الف) برابری کشورها (دولت‌ها): اصل اساسی در حقوق بین‌الملل که از آن به عنوان مبنای نمادی اصول یاد می‌شود، قاعده برابری حقوقی دولت‌هاست، با توجه به اینکه در عرصه دیپلماسی علم نیز قواعد حقوق بین‌الملل حاکم است، ضرورت حاکمیت این قاعده به خوبی درک می‌شود. طبق بند ۲ ماده ۱ و بند ۱ ماده ۲ منشور ملل متحد^۱ چون در دیپلماسی علم قائل به نوعیت موضوع با واسطه کشورها در حقوق بین‌الملل هستیم، این اصل را نیز

۱. برگرفته از زیما، برونو و همکاران، ۱۳۹۴، شرح منشور سازمان ملل متحد، ترجمه هیبت‌الله نژندی، تهران، انتشارات خرسندی، ص ۲۳.

پذیرفته‌ایم. بدون این شرط اساسی اصولاً دیپلماسی علم برای حقیقت‌یابی معنا نخواهد داشت. آثار این اصل را می‌توانیم در موارد متعددی ملاحظه کنیم:

۱. اصولاً حقیقت یک امر متکی به قدرت و برتری عینی نبوده و صرفاً در چهارچوب خاص علمی قابل دسترسی خواهد بود و زمینه برتری آن در هر دو طرف دیپلماسی علم علی‌السویه است.

۲. در تأثیرگذاری و تأثیرپذیری نیز صرفاً وفاق علمی و نظری عالمان گفت‌وگو کننده مینا خواهد بود نه امور واقعی عینی (مانند برتری اقتصادی یا نظامی و ...).

۳. با وجود برابری حقوقی حداقل زمینه منفعت‌طلبی تا حدود زیادی به نفع حقیقت‌خواهی تغییر خواهد یافت.^۱

ب) اصالت صلح: اصل اساسی دیگری که باید به‌عنوان قاعده لازم در دیپلماسی علم به آن توجه شود، صلح‌آمیز بودن هرگونه رابطه و تعامل است. (بند ۱ ماده ۱ منشور ملل متحد)^۲ زیرا دیپلماسی علم ناظر به حذف خصومت در تمامی انواع آن است در صورتی که دیپلماسی علم منجر به نقض این هدف شود، در حقیقت در تعارض با هدف دیپلماسی علم خواهد بود. سخنانی مانند اینکه قصد ما از دیپلماسی علم پیروزی است و ... می‌تواند نافی اصل تعامل دیپلماسی علم باشد؛ زیرا در اصل شرط هرگونه تعاملی در عرصه کشورها حقیقت‌یابی است و حفظ صلح به‌عنوان ضرورت اولیه نیز ناشی از همین مقوله است. حال اگر تقدم منافع و پیروزی در دیپلماسی علم مینا باشد، احتمال تهدید صلح نیز با توجه به قصد تعامل کننده وجود دارد که مغایر با اصل و هدف دیپلماسی علم است.^۳

پ) عدالت: اگرچه عدالت امری نسبی است، ولی یافتن مخرج مشترک برای طرفین دیپلماسی علم در جهت ایجاد عدالت، امری غیرممکن نیست. (بند ۱ ماده ۱ منشور ملل متحد)^۴

۱. برگرفته از دولت‌رفتار حقیقی، ص ۵۹.

۲. برگرفته از زیما و همکاران، ص ۲۳.

۳. برگرفته از دولت‌رفتار حقیقی، ص ۶۰.

۴. برگرفته از زیما و همکاران، ص ۲۲.

۱۳. حاکمیت حقوق بین الملل و دیپلماسی علم

الف) دولت‌ها: در این فرض موضوعات اصلی حقوق بین الملل از لحاظ موضوع و به عنوان واضح، نقش دولت‌ها را بر عهده می‌گیرند. در عین حال قواعد را به نحوی تنظیم می‌کنند که حاصل آن متفاوت با قواعد تنظیمی بر اساس روابط انتفاعی صرف باشد. در این روش کشورها بازیگر اصلی در دیپلماسی علم خواهند بود و همانند سایر قواعد حقوق بین الملل دولت‌ها- در صورت قبول تعهد- به نحو مقتضی تعهدات را داخلی می‌نمایند. در این صورت نیز با عنایت به اینکه غالباً کشورها هر کدام دولتی متفاوت با دیگر کشورها هستند، قواعد را وضع و با داخلی کردن قواعد، آنها را اجرا می‌کنند. این وضعیت منجر به اجرای قواعد وضع شده در حوزه‌های مختلف خواهد شد. منشور ملل متحد در مواد متعدد خود به مواردی اشاره می‌کند که رابطه (انواع دیپلماسی) بین کشورها را برای رسیدن به آرمان‌هایی چون صلح و عدالت ضروری می‌سازد. مواردی که بی‌شک کشورهای مختلف در این موارد نیازمند رابطه دوجانبه و چندجانبه هستند. اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری نیز بر نکات فوق در موارد متعدد تأکید می‌کند.

ب) سازمان‌های بین‌المللی دولتی: علاوه بر کشورها، سازمان‌های بین‌المللی دولتی نیز دارای نقش اساسی در حقوق بین الملل هستند؛ یعنی یا واضع قواعد هستند یا موضوع آن قرار می‌گیرند. این سازمان‌ها از دو جهت می‌توانند در ایجاد و اجرای قواعد دیپلماسی علم نقش ایفا کنند:

۱. بستر لازم را برای دیپلماسی علم ایجاد نمایند. برای مثال سازمان فرهنگی ملل متحد (یونسکو) که یکی از وظایف اصلی آن در جهت جلوگیری از درگیری و ایجاد نوعی فضای گفت‌وگو (رابطه- دیپلماسی) بین فرهنگی (بین فرهنگ‌های) مختلف است.^۱
۲. این سازمان‌ها می‌توانند به عنوان نمادهای کشورها در ارتباط با سازمان‌های بین‌المللی دیگر در وضع و اجرای قواعد مساعدت کنند. اتحادیه اروپا و سازمان همکاری کشورهای اسلامی از جمله سازمان‌هایی با دو ویژگی فوق است که نمود فرهنگ و تمدن ملل عضو

۱. اساسنامه این سازمان مقرر می‌دارد: «از آنجایی که جنگ در باطن انسان‌ها ریشه دارد، دفاع از صلح (مقابله با ایجاد جنگ) نیز باید با پرورش باطن و ضمیر انسان‌ها محقق شود.» در حقیقت می‌توان آموزش تحمل و انجام گفت‌وگو را برای جلوگیری از جنگ، از مصادیق دیپلماسی علم دانست.

هستند و می‌توانند با سازمان‌هایی که به نحوی نمود کشوری دیگری هستند به ایجاد رابطه بپردازد. از این حیث قواعد اعتباری لازم را این سازمان‌ها ابداع می‌کنند و بر خود آنها نیز حاکمیت خواهد داشت.

پ) سازمان‌های فراملیتی غیردولتی: از موضوع‌هایی که مدتی است در حوزه حقوق بین‌الملل مورد توجه واقع شده و توانسته در مواردی تأثیرگذار باشد، سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی است. همانند سازمان پزشکان بدون مرز، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ، سازمان‌هایی که برای حفظ محیط‌زیست و صلح تلاش می‌کنند، اشاره کرد.

سازمان‌های غیردولتی به دلیل ماهیت غیرانتفاعی خود می‌توانند بستر لازم را برای ایجاد دیپلماسی علم هموار نمایند و از طرف دیگر قواعد حاکم بر آنها چون از طرف دولت‌ها وضع نمی‌شود، قبل از آنکه تجمیع مشروع منافع باشد، تجمیع مشروع اهداف عالی به‌طور عموم بشردوستانه و ... است. این قواعد بی‌شک در دیپلماسی علم مؤثر است. از طرف دیگر این سازمان‌ها چون غیردولتی هستند، ممکن است در یک حوزه مشترک به وجود آیند که از چند کشور به لحاظ جغرافیایی تشکیل شده باشد. چون احتمال دارد که بعضی از کشورهای مذکور با در نظر گرفتن بعضی منافع ملی، با روش خاصی از دیپلماسی علم بین کشورها موافق نباشند یا قواعد خاصی را نپذیرند، این سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی می‌توانند نمایندگی آن حوزه مشترک را به لحاظ موضوعی و همین‌طور وضع قواعد بر عهده گیرند. در حال حاضر نیز چنین وضعیتی تا حدودی وجود دارد و دیپلماسی علم بین اسلام و مسیحیت یا اسلام و غرب و ... را غالباً سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی انجام می‌دهند. نکته‌ای که لازم است در این زمینه بیان شود آن است که قواعد موضوعه این سازمان‌ها به قواعد موضوعه کشورها تبدیل و عملی می‌شود و در نتیجه تأثیرات آن غیرمستقیم است.^۱

ت) افراد و نخبگان به‌عنوان نمایندگان فکری کشورها: فرد در نظام بین‌الملل به‌عنوان موضوع مستقل شناخته نشده است و فقط در بعضی از موارد قواعدی در خصوص افراد خاصی وجود دارد؛ مانند قواعد مربوط به اعضای سازمان‌های بین‌المللی، دیپلمات‌ها و افرادی در حوزه حقوق بشر (کمیسیون اروپایی حقوق بشر). از این نظر افراد و نخبگان فکری

۱. برگرفته از دولت‌رفتار حقیقی، ص ۵۸.

کشورها نیز فقط در قالب اعضای سازمان‌هایی مانند یونسکو و ... می‌توانند در حمایت از حقوق بین‌الملل قرار گیرند.

از طرف دیگر نخبگان فکری کشورها از مدعوین سازمان‌های غیردولتی و دولتی محسوب می‌شوند که در قالب همایش‌ها و گردهمایی‌ها درمی‌آیند. از این جهت نیز باید مورد حمایت حقوق بین‌الملل باشند و از حقوقی مثل دیپلمات‌ها بهره‌مند گردند.

بحث دیگر در این مورد اقداماتی است که دولت‌ها می‌توانند در جهت تسریع و کمک به زمینه دیپلماسی علم انجام دهند، مانند وضع کنوانسیون‌های خاص اعطای حقوق به نخبگان فکری در حوزه بین‌الملل و ... بی‌شک نخبگان فکری بهترین نموده‌های کشورهای موجود هستند که از نظر تأثیرگذاری در روند حقیقت‌یابی، بیشترین اثر را دارند.^۱

۱۴. ابعاد دیپلماسی علم

دیپلماسی علم^۲ استفاده از همکاری‌های علمی میان ملت‌ها برای رسیدگی به مشکلات مشترک و ایجاد مشارکت سازنده بین‌المللی^۳ است ...^۴ از نظر حقوقی، دیپلماسی علم مباحثی را در خصوص قوانین داخلی و بین‌المللی به دنبال خواهد داشت. از آنجا که دیپلماسی علم یک موضوع فرآیندمحور است، دارای چهار ویژگی چهارچوب قانونی، شرایط قانونی، زمینه قانونی و

۱. برگرفته از همان، ص ۵۹.

2. Science Diplomacy

۳. یکی از اولین سرمایه‌گذاری در همکاری‌های علمی مشترک در سال ۱۹۳۱ م. با ایجاد شورای بین‌المللی اتحادیه‌های علمی، در حال حاضر شورای بین‌المللی علوم (آی.سی.اس.یو) بود که از طریق همکاری با اتحادیه‌های علمی بین‌المللی و اعضای علوم ملی؛ تمرکز منابع و ابزار در جهت توسعه راه‌حل‌های علمی برای توجه به چالش‌های جهان از جمله تغییرات آب و هوایی، توسعه پایدار، تحقیقات قطبی و ... است. مبادلات علمی غیرنظامی بین ایالات متحده و پس‌از آن، اتحاد جماهیر شوروی (سابق) در طول جنگ سرد؛ به‌عنوان مثال دیگری از دیپلماسی علم ارائه می‌کنند. این نوع همکاری‌های دو کشور در جریان بود حتی هنگامی که ارتباطات رسمی دیپلماتیک کاهش یافت. همچنین آمریکا و روسیه در ایستگاه فضایی بین‌المللی با یکدیگر همکاری می‌کنند. همچنین به‌عنوان مثال دیگر از سازمان تحقیقات هسته‌ای اروپا می‌توان از پروژه سرن^۳ یاد کرد. ۳۰۰ پس از یک سری از جلسات با همکاری یونسکو و تصویب رسمی توسط ۱۲ عضو سازمان ملل و کشورهای بلژیک، دانمارک، فرانسه، جمهوری فدرال آلمان، یونان، ایتالیا، هلند، نروژ، سوئد، سوئیس، انگلستان و یوگسلاوی؛ پروژه سرن ایجاد شده است. در حال حاضر پروژه سرن توسط ۲۰ کشور عضو اروپا اجرا می‌شود، درحالی‌که بسیاری از کشورهای غیراروپایی نیز به روش‌های مختلف درگیر این پروژه هستند. دانشمندان از برخی از ۶۰۸ مؤسسه و دانشگاه در سراسر جهان استفاده از امکانات پروژه سرن را دنبال می‌کنند. (برگرفته از ویکی‌پدیا)

۴. برگرفته از ویکی‌پدیا (بی‌تا) دیپلماسی علم، درگاه اینترنتی ویکی‌پدیا

محدودیت‌های قانونی است (ابعاد قانونی قابل دسترسی دیپلماسی علم در قانون اساسی ج.ا.ایران بیانگر این ویژگی شاخص آن است) که به فراخور طبیعت خود دارای ابعاد زیراست:

۱. بعد مدیریتی و نظارت،
۲. بعد هویتی
۳. بعد همگرایی،
۴. بعد رقابتی و ستیز
۵. بعد شکاف توسعه،
۶. بعد تولید قدرت
۷. بعد حاکمیتی و نظارت ملی^۱

۱۵. شاخص دیپلماسی علم در ج.ا.ایران

تحلیل محتوای قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ ج.ا.ایران حاکی از آن است که ظرفیت‌های بسیاری برای توسعه دیپلماسی علم در این اسناد بالادستی وجود دارد. چنانکه بنیادی‌ترین اصل قانون اساسی ج.ا.ایران مرتبط با دیپلماسی علم، اصل «سی‌ام» است، اما اصول ۳، ۸، ۱۹، ۲۰، ۲۹، ۴۰، ۴۳، ۴۵، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۴۷ و ۱۵۴ نیز از این بُعد قابل تفسیر و برداشت است. حتی در بررسی مسائل مربوط به علم فناوری در اجرای بند ۱ اصل ۱۱۰ قانون اساسی، سیاست‌های کلی علم و فناوری توسط رهبری معظم انقلاب اسلامی در ۶ محور که پس از مشورت با مجمع تشخیص مصلحت نظام تعیین شده، به شرح زیر است:

۱. جهاد مستمر عملی با هدف کسب مرجعیت علمی و فناوری در جهان (در ۵ بند)
۲. بهینه‌سازی عملکرد و ساختار نظام آموزشی و تحقیقاتی کشور به منظور دستیابی به اهداف سند چشم‌انداز و شکوفایی علمی (در ۸ بند)
۳. حاکمیت مبانی، ارزش‌ها، اخلاق و موازین اسلامی در نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری و تحقق دانشگاه اسلامی (در ۳ بند)
۴. تقویت عزم ملی و افزایش درک اجتماعی نسبت به اهمیت توسعه علم و فناوری (در ۶ بند)

۱. علیزاده مالک، پیشین (شرحی حقوقی بر دیپلماسی علم)

۵. ایجاد تحول در ارتباط میان نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری با سایر بخش‌ها (در ۸ بند)
۶. گسترش همکاری و تعامل فعال، سازنده الهام‌بخش در حوزه علم و فناوری با سایر کشورها و مراکز علمی و فنی معتبر منطقه‌ای و جهانی به‌ویژه جهان اسلام همراه با تحکیم استقلال کشور (در ۴ بند) (نامه شورا، ۱۳۹۳، ص ۴ و ۵)

همچنین مهم‌ترین ابعاد دیپلماسی علم مندرج در سند چشم‌انداز عبارت است از: برخورداری از دانش پیشرفته، ایمن، برخوردار از سلامت، رفاه، امنیت غذایی، به دور از فقر، الهام‌بخش، بهره‌مند از توسعه کارآمد دارای تعامل سازنده و مؤثر با جهان و ...؛ اما ادبیات دیپلماسی علم در جامعه علمی ج.ا.ایران هم چنان بر آثار معدود و ترجمه‌ای استوار است، بر این نگارش اثر تألیفی در مورد ابعاد حقوقی آن بسیار دشوار است.^۱

نتیجه گیری

پیشینه علم به زمانی باز می‌گردد که انسان توانست روی دو پایش بایستد و از دستانش به‌عنوان ابزار استفاده کند. سپس علم ساخت ابزار (ابزارسازی) و استفاده از ابزارهای دست‌ساخته به تدریج توسعه یافت و به‌طور هم‌زمان استفاده از بدن انسان به‌عنوان ابزار در قالب رویکرد برده‌داری به‌عنوان الگوی اجتماعی-اقتصادی پیشانویس پدید آمد. بدین ترتیب در راستای استخدام علم برای توسعه تمدن مادی، ابعاد حسی و ملموس زندگی بشر رنگ و بوی بیشتری یافتند. چنانچه همین نگرش را به علم تعمیم دهیم با مفهوم آگاهی وضعیتی^۱ مواجه می‌شویم. در ادبیات امروز این نگرش «فناوری سخت»^۲ یعنی مهارت‌ها، قوانین و ابزارهایی که توسط انسان برای تغییر و مدیریت طبیعت به‌منظور توسعه و بقای وی به خدمت گرفته می‌شوند، ناکارآمد شمرده می‌شود.

تأثیر شگرف علم بر توسعه تمدن بشری به‌ویژه در قرن ۲۰ م. بر هیچ‌کس پوشیده نیست. رؤیای دیرینه انسان برای توسعه اجتماعی-اقتصادی به دور از اختلاف و درگیری به موضوعی پرمناقشه تبدیل شده است، چنانکه اساساً رویکرد بازیگران مختلف برای توصیف و به‌کارگیری آن محل بحث شده است. بر اساس نگرش سنتی علم یعنی «قوانین، روش‌ها و ابزارهایی که با کنکاش دانشمندان در علوم طبیعی به‌صورت محصولاتی مادی برای حل برخی از مسائل و مشکلات به وجود می‌آیند.» در این رویکرد، علم ماهیتی سخت‌افزاری دارد. این نگرش به علم پیامدهای خاص خود را بر معماری اجتماعی بازیگران گوناگون در جامعه بین‌المللی بر جای گذاشته است و نهایتاً شیوه آنان را در به‌کارگیری علم جهت بخشیده است. پیامدهای نگرش سخت‌افزاری به علم با تأثیرات حاصل از رویکرد «علم نرم»^۳ به کلی متفاوت خواهد بود. واقعیت این است که حجم عمده ادبیات سنتی همانند توصیف بالا، علم را یک نظام یا مجموعه «دانشی کاربردی»^۴ می‌داند که می‌تواند در عرصه حل‌وفصل اختلافات به دور از خصومت نقش‌آفرینی نماید و از آن می‌توان با نام «دیپلماسی علم» یاد کرد.

دیپلماسی به‌عنوان وسیله‌ای برای اجرای سیاست‌ها، حتی برای دولت‌های ضعیف اهمیت خاصی دارد. قابل‌ذکر است که برخی دولت‌ها چون منابع اندکی دارند، مجبور هستند که با دارایی‌های

1. Situational Awareness
2. Hard Technology
3. Soft Science
4. Operable Knowledge System

خود با دقت و مهارت بیشتری بازی کنند. همچنین دولت‌های صاحب قدرت که مجموعه وسیع‌تری از ابزارها را در اختیار دارند، معمولاً مؤثرتر از دیپلماسی استفاده می‌کنند. این گونه است که همه دولت‌ها برای هدایت و متمرکز کردن ابزارهای خود به دیپلماسی متکی هستند؛ زیرا دیپلماسی بخش ذاتی هر نوع تلاش و اقدامی محسوب می‌شود. این گونه است که برای دیپلماسی چهار کار ویژه یا کارکرد عمده تعیین می‌کنند:

۱. ارتباط (هرچند که ابهام جزء گوهر دیپلماسی است که حکومت‌ها باید در خصوص پیام‌هایی که می‌خواهند درباره مسائل مهم برای دیگران بفرستند، بسیار آگاهانه عمل کنند).

۲. توانایی انجام دادن مذاکره (فنی و تخصصی)^۱

۳. حضور (مشارکت) در نهادهای چندجانبه^۲

۴. پیشبرد منافع ملی^۳ (بالأخص در حوزه دیپلماسی اقتصادی)^۴

علی‌رغم اینکه می‌توان مدعی شد دیپلماسی علم یکی از موضوعاتی است که با پیدایش شکل‌های اولیه جوامع بشری و حکومت که تاکنون وجود داشته، متفاوت آیت. چنانکه باعث اظهارنظرهای متعدد کارشناسانه و غیرکارشناسانه شده است. همچنین موجب شده گروه‌ها و اجتماعات مختلف به فراخور توانایی فکری و تجربی خود عللی برای آن ارائه کنند.^۵ دیپلماسی علم به دلیل گستره ملی و فراملی آن علاوه بر اهمیت در سطح ملی، در سطوح منطقه‌ای و جهانی نیز اهمیت زیادی دارد و از موضوعات مورد توجه تمامی ملت‌ها است.^۶ در عرصه دیپلماسی

1. Technical negotiation

2. Diplomacy in multilateral institutions

۳. راست و استار، ص ۱۹۷-۲۰۳.

4. Economic Diplomacy

۵. از زمانی که در جوامع گوناگون وظایف و اختیاراتی برای افراد پیش‌بینی و این امکان فراهم شد که انسان‌ها در خصوص مسئله‌ای تصمیم‌گیری کنند، این پدیده چه در قالب سنتی سازمان‌دهی امور برای اداره اجتماعات (مانند عضویت در تشکیلات رؤسای قبایل و طوایف) و چه در قالب امروزی سازمان‌دهی امور (مانند تشکیل وزارتخانه‌ها، مؤسسات و شرکت‌ها) در زندگی بشر ظهور پیدا کرد.

۶. یکی از ویژگی‌های برجسته رشته‌های علمی، توسعه فزاینده آن در طول زمان است. بر این اساس هر نسلی از محققان باید قادر به پاسخگویی بیشتر نسبت به نسل قبل از خود باشد و بتواند توضیحات بیشتری را برای درک واقعیات فراهم آورد. اصولاً دانش حاصل انباشت معلومات پیشین است و این بدان معنا نیست که محقق از ابتدا شروع به دانش‌اندوزی کند. معانی مفاهیم تا اندازه زیادی از ساختار (نظریه یا الگو) نشأت می‌گیرد. تجمع دانش، زمانی ممکن است که مساعی تحقیقاتی در راه تبیین بیشتر الگوهایی که قبلاً به کار برده شده، صورت گیرد. ضمناً تبیین الگو خود به کشف و آزمایش تجربی روابط میان عناصر ←

علم حرکت و فعالیت الزاماً نیاز به دانش دیپلماسی دارد اما قرار نیست که مجری دیپلماسی علم حتماً دیپلمات باشد؛ زیرا دیپلماسی علم بیشتر در حوزه دیپلماسی عمومی^۱ که از حوزه مباحث فعالیت‌های نرم است، قابلیت فعالیت بیشتری را دارد. دیپلماسی علم مشخصاً از مصادیق دیپلماسی دوجانبه یا چندجانبه^۲ محسوب می‌شود که در روزگار امروز راهکاری برای رویارویی با چالش قرن ۲۱ م. است. قطعاً هر رویکرد مفهومی نیاز به شاخص‌های پیاده‌سازی دارد و دیپلماسی علم نیز مستثنا نیست، این شاخص‌ها به شرح زیر است:

۱. **قابل تبدیل و تغییر بودن**^۳: شامل نتایج و پروژه‌هایی باشد که بر نوآوری‌های چندحوزه‌ای و چندرشته‌ای تمرکز می‌کند.

۲. **مسئولیت پذیری**^۴: نسبت به ملاحظات محیط زیستی، سلامت بهداشتی انسان و ایمنی حیات توجه کرده و دسترسی عادلانه به منافع این حوزه را شامل شود.^۵

۳. **فراگیر بودن**^۶: مشارکت سازمان‌ها و ذی‌نفعان را دربر گیرد.

۴. **دوراندیشانه بودن**^۷: شامل برنامه‌ریزی بلندمدت و پیش‌بینی‌کننده (قابل پیش‌بینی) باشد. با فرض شاخص‌های فوق سه گزینه پیش روی سیاست‌گذاران برای تنظیم معیارها در حوزه دیپلماسی علم وجود دارد:

الف) استفاده از قوانین و مقررات موجود: در هر کشوری قوانین عام و حداقلی در حوزه دیپلماسی علم وجود دارد هر چند که این قوانین نتوانند همگام با پیشرفت‌های علم حرکت کنند.

→ متشکله الگو بستگی دارد. به‌طور کلی مفاهیم و عناصر متشکله یک الگو باید اولاً برحسب شاخص‌های تجربی تعریف شوند و ثانیاً در وضعیت‌های گوناگون فرهنگی قابل اطلاق باشند. (قوام، ۱۳۷۳، ص ۲۷ و ۲۸)

۱. دیپلماسی عمومی (Public Diplomacy): خروج دستگاه دیپلماسی از حوزه روابط سنتی میان دولت‌ها و برقراری ارتباط با افکار عمومی در حوزه‌های مختلف با هدف افزایش منافع و نفوذ یک دولت و کاهش آسیب‌پذیری آن (علی‌بابایی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۳)

۲. دیپلماسی چندجانبه (Multilateral Diplomacy): عبارتی است به معنای دانش و هنر به‌کارگیری دیپلماسی در محیط‌های چندجانبه. مبنای این نوع دیپلماسی مشارکت در محیط‌هایی با حضور بیش از دو دولت عضو برای پیگیری اهداف، تأمین منافع، افزایش نفوذ و کاهش آسیب‌پذیری با کمترین هزینه است. (علی‌بابایی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۲)

3. Transformative

4. Responsible

۵. از عوامل کلیدی برای تحت تأثیر قرار دادن دیپلماسی علم که دارای آثار زیست‌محیطی است، ظرفیت نهادی است. ظرفیت نهادی در نتیجه توافقات طرفین یا ذی‌نفعان به وجود می‌آید و برای این تأثیر نیازمند مقدار زیادی از اطلاعات است.

6. Inclusive

7. Visionary

ب) برقراری قوانین و معیارهای جدید: وضع قوانین مناسب و جدید در حوزه دیپلماسی علم نیازمند همکاری و اجماع نهادی، مساعدت صاحبان صنایع و تولیدکنندگان از سویی و رفع موانع سیاسی از طرف حاکمیت از سوی دیگر است.

پ) توسعه برنامه‌های داوطلبانه پیوستن به معیارها: یک نمونه از معیارهای داوطلبانه، برنامه حفاظت از محیط‌زیست است. برنامه‌ای که چشم‌انداز نه‌چندان امیدوارکننده‌ای را می‌توان انتظار داشت.

منابع و مأخذ

۱. ازکیا، مصطفی و علیرضا دربان آستانه (۱۳۸۹) **روش‌های کاربردی تحقیق**، تهران، انتشارات کیهان، چاپ دوم
۲. اعرابی، سیدمحمد و حسین حقیقت ثابت (۱۳۸۹) **استراتژی سیستم‌های اطلاعاتی و فناوری اطلاعات**، تهران، نشر مهکامه
۳. امیری، حشمت (۱۳۶۹) **کلیات روابط بین‌الملل**، تهران، انتشارات هاد
۴. بابایی طلائی، محمداقرا (۱۳۸۷) **رمز موفقیت در تحقیق**، تهران، فکر بکر، چاپ دوم
۵. برادن، کتلین و فرد شیلی (۱۳۸۳) **ژئوپلیتیک فراگیر**، ترجمه علیرضا فرشچی و حمیدرضا رهنما، تهران، انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
۶. بی‌نا (۱۳۸۲) **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران، انتشارات سنجش اول
۷. بی‌نا (۱۳۹۲) **سرمایه اجتماعی و امنیت عمومی** (گروه مؤلفین)، تهران، انتشارات دانشگاه دفاع ملی
۸. بی‌نا (۱۳۹۵) **روش تحقیق در مطالعات امنیتی**، (گروه مطالعات پایه و روش‌شناسی)، تهران، پژوهشکده مطالعات کاربردی قلم، چاپ دوم
۹. پناهی آزاد، حسن (۱۳۸۹) **شناخت، جهان‌بینی و ایدئولوژی**، تهران، انتشارات کانون اندیشه جوان
۱۰. چرچیل، رابین و آلن لو (۱۳۸۳) **حقوق بین‌الملل دریاها**، ترجمه بهمن آقایی، تهران، کتابخانه گنج دانش، چاپ دوم
۱۱. راست، بروس و هاروی استار (۱۳۸۱) **سیاست جهانی؛ محدودیت‌ها و فرصت‌های انتخاب**، ترجمه علی امیدی، تهران، انتشارات وزارت خارجه
۱۲. زراعتی رضایی، شاهین (۱۳۸۷) **پژوهش‌شناسی**، تهران، انتشارات یزدا، چاپ دوم
۱۳. زیما، برونو و همکاران (۱۳۹۴) **شرح منشور سازمان ملل متحد**، ترجمه هیبت‌اله نژندی، تهران، انتشارات خرسندی

۱۴. سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰) **روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل**، انتشارات فرزانه، تهران
۱۵. صرامی، سیف‌الله (۱۳۸۱) **حقوق مردم در حکومت**، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)
۱۶. ضیایی بیگدلی، محمدرضا (۱۳۸۴) **حقوق بین‌الملل عمومی**، کتابخانه گنج دانش، چاپ ۲۲
۱۷. علی‌بابایی، غلامرضا (۱۳۹۲) **فرهنگ دیپلماسی و روابط بین‌الملل**، تهران، انتشارات وزارت خارجه
۱۸. عزیززاده مالک، سعید و معصومه صفدری (۱۳۹۷) **الفبای گزارش‌نویسی**، تهران، انتشارات تی‌آرا
۱۹. فارسی، حمید و حسین باقری و غلامعلی زوارزاده (۱۳۹۶) **نقش اطلاعات در حفاظت شخصیت‌ها**، انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)
۲۰. قاضی‌زاده فرد، سیدضیاءالدین (۱۳۸۷) **فناوری اطلاعات و ارتباطات و مبانی سیستم‌های اطلاعاتی** (ج. ۲)، تهران انتشارات دانشگاه امام حسین (ع)
۲۱. قوام، سیدعبدالعلی (۱۳۷۳) **سیاست‌های مقایسه‌ای**،
۲۲. کاظمی، سیدعلی‌اصغر (۱۳۷۲) **روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل**، تهران، نشر قومس
۲۳. کر، پالین و جفری وایزمن (۱۳۹۲) **دیپلماسی در عصر جهانی‌شدن از تئوری تا عمل**، ترجمه عباس کاردان، تهران، مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران
۲۴. محمودی، جلال و سیده خدیجه مهدوی (۱۳۹۳) **روش تحقیق با تأکید بر نحوه تنظیم پروپوزال**، تهران، انتشارات سولار
۲۵. معتمدنژاد، رؤیا (۱۳۹۵) **حقوق جهانی ارتباطات**، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
۲۶. مقتدر، هوشنگ (۱۳۷۷) **حقوق بین‌الملل عمومی**، تهران، انتشارات وزارت خارجه، چاپ پنجم
۲۷. ملک‌محمدی نوری، حمیدرضا (۱۳۸۰) **درآمدی بر حقوق بین‌الملل**، تهران، انتشارات شیرازه
۲۸. موتسکیو (۱۳۶۲) **روح القوانین**، ترجمه علی‌اکبر مهتدی، تهران، انتشارات امیرکبیر، چاپ هشتم

۲۹. مهرداد، هرمز (۱۳۸۰) **مقدمه‌ای بر نظریات و مفاهیم ارتباط جمعی**، تهران، مؤسسه فرهنگی پژوهشی فاران
۳۰. میرمدرس، سیدموسی (۱۳۷۰) **متد تحلیل پدیده‌های سیاسی**، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم
۳۱. ناظم، حسین (۲۵۳۶) **سیاست و سازمان‌های بین‌الملل**، شرکت ایران چاپ (روزنامه اطلاعات)
۳۲. نقیب‌زاده، احمد (۱۳۶۹) **تحولات روابط بین‌الملل از کنگره وین تا امروز**، تهران، نشر قومس
۳۳. والاس، ربکا (۱۳۸۲) **حقوق بین‌الملل**، ترجمه سیدقاسم زمانی و مهناز بهراملو، تهران، انتشارات شهر دانش

مقالات

۳۴. دولت‌رفتار حقیقی، محمدرضا (۱۳۸۱) **بایستگی‌های اعتباری گفت‌وگوی تمدن‌ها**، فصلنامه سیاسی-اجتماعی گفتمان، شماره ۶ پاییز
۳۵. ریلائی، هارولد سی. (۱۳۷۸) **کتمان علم؛ بحثی در امنیت ملی و جریان آزاد اطلاعات**، ترجمه سعید بهنام، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم، بهار
۳۶. عزیززاده مالک، سعید (۱۳۹۶) **شرحی حقوقی بر دیپلماسی علم**، مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی، زمستان
۳۷. قدسی، امیر (۱۳۸۹) **جایگاه سرمایه اجتماعی در بازتولید قدرت نرم ج.ا.ایران**، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۰، پاییز
۳۸. کلهر، رضا (۱۳۷۸) **پیامدهای امنیتی جریان آزاد اطلاعات (گفتگو)**، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره سوم
۳۹. مهدی‌نژاد نوری، محمد، فرزاد طرهانی و مرتضی سلیمانی دارانی (۱۳۸۶) **الگوی جهت انتقال دانش سازمانی**، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال پنجم، شماره ۱۶، تابستان

فضای مجازی

۴۰. جهانبازی، امیر (بی تا) مقاله «**کلیات حقوق بین الملل**»، (وبلاگ) اینترنت

۴۱. ویکی پدیا (بی تا) **دیپلماسی علم**، درگاه اینترنتی ویکی پدیا